



سال دوم - شماره ۱۰۵ - سید ۱۸ آذر ۵۹ - شماره ۲۰۵۰۰۰

پیام

اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان دانشگاه ها و مدارس - عالی به مناسبت ۱۶ آذر

در صفحه ۱۴

در صفحات دیگر:

- * اطلاعیه مجاهدین خلق در رابطه با روزه های فلسطین
- * ارتجاعی ترین روزنامه نیز حکم به مرگ سعادتی داد
- * اعتصاب غذای هواداران مجاهدین خلق در زندان اوین
- * شمشیر و ترازو

مرگ بر امیر یالیسم! زنده باد آزادی!

بودن ما همین کسانی که امروز به عنوان لیبرال شدیداً مورد حمله هستند، و بعد از آن که به خوابیده و ناگهان صبح برخاستند و خطرات رقیب را درک کردند، ناخست و باز به آزادی را شروع کردند! یا از مردای انقلاب؟ مگر نه اینست که سازمان ما مدت ها به اتهام

که می توانستند آزادی را طلب کنند ولی نکردند و قانوناً آن را برای مردم نامسئومند! با گاهی به حکومتی محدود کن آزادی ها و این که باز پس گرفتن آزادی از حد نیروهای شروع به ناله روشن تر می بود. آیا آنان پس از مدت ها دست در بست

هر جا صحبت می کنند یکی از کلمات کلام هاشان اینست که "در کدام کشور این همه آزادی داده شده؟!". جای این سوال باقی است که کدام آزادی را دادند؟ آنها مگر کاری جز گرفتن آزادی ها نداشتند که این قدر به خاطر آن دست می گذارند. خوبست یک مورد به عنوان نمونه ذکر کند

سیاسی جامع بحسد ولی یا به پای بنیست خاکبست جدید بخصوص به موازات خارج شدن رفقای جناح ارتجاعی از مدار و انفعال شدن مواضع قدرتها به روندی عناصر این جریان روز به روز به آجا که شرایط اجازه می داد و در حد توان این جناح بود آزادی ها طلب کردند. در حالی که این افراد

با نگاهی گذرا به ۲۲ ماهی که پشت سر داریم، مشخص می شود که پس از سقوط دیکتاتوری که به دست یک بدم و بیروهای انقلابی انجام گرفت تاکنون در فضای سبی از استبداد، آزادی ها که برای مردم از نان شب هم حساس تر بود، به منابهی گرانسپاریس دستاورد انقلاب حیات تازه ای به زندگی

بحران "اعتماد عمومی"

نگاهی به موضوع گریها و برخوردهای مقامات عملی در رابطه با کمبودهای ناشی از جنگ

ناکسی علیرغم قول دولت مبنی بر باز پرداخت مابدها تفاوت قیمت قبلی و قیمت فعلی بنزین، دست به اعتصاب زده بودند، یکی از همین رانندگان ناکسی می گفت: "والله اگر دولت ما را روز است بود و می آمد رک و راست می گفت با ما جنگ، پالایشگاه از بین رفته، نفت

همان روزهایی که قیمت بنزین گران شده بود و رانندگان

گزارشات مستند در مورد شکنجه

حاشی و... در اوضاع در مورد این... ساواک... ماهیت ارتجاعی این اصطلاح دادشان... دیگر سرکا می باشد... می توانست دشمن... خوردی خلق ما و در... آنها... است های حاکمان آمریکا را... وجود بقیده در صفحه ۷

وحشیگری چماقداران و حامیان مسلح آنها در آمل

در اثر وحشیگری ها کارگر محاهد حسین سالار محمدی شهید و پیش از سیدش مجروح شدند

به دنبال یک سلسله تحریکات که مدتی است از طرف عناصر ارتجاعی و واپسگرا در جریان است، روز چهارشنبه دوازدهم آذرماه عدای چماقدار و اوپاس به چند کتابخانه و فروشندهی کتاب در آمل حمله بقیده در صفحه ۵

نگاهی به گذشته

نظری به عملکرد سیاست های ۲ سال گذشته نشان می دهد که اوضاع و احوال کنونی کشور، با تمام مشکلاتش نتیجه مستقیم عملکردهایی است که فقدان عناصر انقلابی اصیل، کنار زدن نیروهای انقلابی و انحصار طلبی واپسگرایان و نهوجه مشحون تر آنها را تشکیل می دهد.

امروز در شرایطی بسر می بریم که ابرهای تیره ایسپام و بحران فضای سیاسی و آسمان میهن عزیز ما را فرا گرفته است. واقعاً دردآور است که هنوز ۲ سال از سرنگونی رژیم شاه و استقرار نظام جمهوری اسلامی نگذشته، مردم زحمتکش و مبارز میهن ما با شرایطی روبرو شده اند که به هیچ وجه انتظار آن را نداشتند. و معلوم نیست که اگر اوضاع به همین منوال پیش برود آینده و سرنوشت این میهن و این انقلاب چه خواهد شد؟...

امروزه ما در شرایطی بسر می بریم که بکار بردن کلمه "بحران" دربارهی اوضاع و احوال کشورمان امری عادی شده است.

در حالی که وضع اقتصادی کشور بسیار نگران کننده است و توده های مردم به خصوص اقشار زحمتکش و محروم جامعه از نارسائی ها و مشکلات اقتصادی به شدت رنج می برند، در حالی که صدها هزار نفر از هموطنان جنگ زده ما از خانه و کاشانهی خود آواره گشته و با مشکلات گمشکنی دست به گریبانند و در حالی که در گوشه ای از میهن ما یعنی در کردستان جنگ برادر گشی همچنان ادامه دارد و در حالی که انقلاب ضد امپریالیستی مردم ما چه از داخل و چه از خارج با مشکلات و خطرات بسیاری مواجه است، قدرتمندان و قدرت طلبان هرچه بیشتر در صدد تسخیر مواضع و تحکیم و تثبیت قدرت انحصاری خود برآمده اند، تا در حالی که بقیده در صفحه ۲

نامه ۲۵ نفر از شخصیت های مبارز به رئیس جمهور در اعتراض به اختناق شکنجه و حکم تعقیب رهبران مجاهدین

در صفحه ۱۲

بقیه از صفحه اول

نگاهی به گذشته

از تمام مردم شریف ایران، از نیروها و شخصیت‌های آزادی خواه و انقلابی و از تمام کسانی که در روزی منافع فردی و گروهی به پیروزی انقلاب رهائی بخشیدند، می‌خواهیم که در مقابل قدرت طلبی‌ها، انحصار طلبی‌ها و برای پیش بردن انقلاب ضد امپریالیستی مان، در پرتو کسب و حفظ آزادی‌های انقلابی، لحظه‌ای دست از مقاومت و ایستادگی برندارند.

بیشترین فشارها و تضییقات مستمر را بر نیروهای انقلابی به ویژه مجاهدین خلق اعمال کرده به زعم خود آنها را از صحنه خارج نموده‌اند. آخرین و کم‌ترین نمونه‌ها و صداهای انتقاد و اعتراض و مخالفت را نیز خاموش سازند. و این همه در حالی است که تجاوز رژیم بعثی عراق و اشغال بخشی از میهن، همچنان ادامه داشته و علاوه بر این که از این طریق صدمات جبران ناپذیر صنعتی و اقتصادی بر این میهن وارد شده جنگ همه روزه تعدادی از مردم و جوانان ما را نیز در کام خود فرو می‌برد. درست است که جنگ همیشه زاینده‌ی مشکلات اقتصادی و اجتماعی است و مشکلات اقتصادی و اجتماعی کنونی نیز به مقدار زیادی نتیجه‌ی جنگ می‌باشد اما بدیهی است که نمی‌توان تمام مسائل و دشواری‌های کنونی را به حساب جنگ گذاشت. چرا که جنگ تأثیرات خود را در زمینه‌های گوناگون از پیش ساخته شده ظاهر می‌کند. و لذاست که جنگ می‌تواند عامل بسیج و وحدت و انسجام نیز بشود به طوری که تمامی مردم نیز با تمام قوا و با سعی صدر مسائل و مشکلات حاصل از جنگ را به جان خریده و خم به ابرو نیاورند.

تمام اینها منوط به سیاسی است که قدرت حاکم چه قبل از جنگ و چه در زمان جنگ در برخورد با مسائل مختلف در پیش می‌گیرد. متأسفانه می‌بینیم که در این کشور حتی از جنگ نیز استفاده‌ها و یا بهتر بگوئیم سوءاستفاده‌های فرصت طلبانه و انحصار طلبانه‌ی سیاسی به عمل می‌آید. و به بهانه‌ی جنگ حتی آخرین بقایای آزادی‌های مشروع مردم را نیز از بین می‌برند و به طوری که دیدیم حتی شرکت و حضور نیروهای انقلابی را در جبهه‌های جنگ و در دفاع از میهن و مردم رسماً ممنوع می‌کنند.

بسیار روشن است که با این قبیل سیاست‌ها و عملکردها نه می‌توان مشکلات اقتصادی را حل و تعدیل نموده و باری از روی دوش مردم زحمتگس برداشت و نه به التیام تضادها و وحدت صفوف مردم دست یافت.

از طرف دیگر تضییقات و فشارهای خارجی که از جانب امپریالیست‌ها بر علیه خلق ما به کار گرفته شده هر روز تشدید می‌شود و انقلاب ضد امپریالیستی میهن ما هر روز بیش‌تر از روز پیش در معرض توطئه‌های امپریالیزم جهانی قرار می‌گیرد که طبیعتاً در صد بهره‌برداری هرچه بیشتر از اوضاع و احوال کنونی کشور در جهت منافع امپریالیستی و ضد خلقی خود می‌باشد.

به طوری که دیدیم علی‌رغم انعطافی که حکومت ایران با تصویب و اعلام شرایط آزادی‌گروگان‌ها از خود نشان داد (با وجود مخالفت‌ها و اعتراض‌های نیروهای انقلابی و منجمله مجاهدین خلق) آمریکا (که گفته می‌شود قبلاً حاضر بود به شرایطی حتی بیشتر از این تن در دهد) در مواضع خود مستحکم‌تر شده و مصمم است تا رژیم ایران را به نرمش و انعطاف و امتیاز دادن‌های بیشتری وادارد. و این در حالی است که دست اندرکاران به اصطلاح مکتبی می‌خواهند از آمریکا قول و تعهد عدم مداخله در امور ایران را بگیرند

غافل از این که به قول قرآن "کیف یكون للمشرکین عهد عدالله و... و... و جالب است که در این اوضاع و احوال مسائل مربوط به گروگان‌ها حالت سری به خود گرفته است به طوری که هنوز مردم ما نه از مضمون مذاکرات سری مجلس و نه از پیام گارتر به نخست وزیر ایران و نه از پاسخی که آمریکا به ایران داده است و نه... به درستی خبر دارند.

بدیهی است لازمه‌ی این سیاست‌ها و عملکردها در برخورد با نیروهای انقلابی، اعمال فشار هرچه بیشتر بر آنها و احياناً تمهید سرکوب و تصفیه‌ی نهائی آنهاست. و بی‌جهت نیست که می‌بینیم در چنین اوضاع و احوالی مجاهدین خلق گدبه گواهی سال‌ها سابقه‌ی عینی خونبار و انگار ناپذیر، بی‌گیرترین نیروی انقلابی و ضد امپریالیست میهن ما هستند، زیر شدیدترین فشارها قرار می‌گیرند. نشریات مجاهدین رسماً ممنوع می‌شود، اعضا، هواداران مجاهدین در سراسر کشور مورد انواع آزار و اذیت‌ها و شکنجه‌ها قرار می‌گیرند و آنها را وسیعاً حتی در جبهه‌های جنگ دستگیر می‌کنند، مراکز مجاهدین و هواداران مجاهدین و حتی بعضاً منازل مسکونی آنها مورد هجوم و غارت قرار می‌گیرد، زندان‌های سیاسی را از مجاهدین پر می‌کنند، مجاهد خلق ساداتی که بیش از ۷ سال زندان و شکنجه رژیم شاه را تحمل کرده، به اتهام جاسوسی محاکمه و محکوم می‌شوند و مجاهدین رسماً تحت تعقیب قرار می‌گیرند. آری چنین است سیاسی که در مقابل یک نیروی انقلابی در پیش گرفته می‌شود و همه‌ی ما می‌دانیم که در ورای هرگونه ادعا و شعار و تبلیغات چگونگی برخورد یک رژیم با نیروهای انقلابی مهم‌ترین اصلت سنج مشروعیت و ترقی خواهی آن رژیم است.

چنین است تصویری هرچند غیر مکفی و ناقص از شرایطی که امروزه بر میهن ما حاکم است و در چنین شرایطی است که سوالات و ابهامات زیادی درباره‌ی آینده‌ی این میهن و سرنوشت این انقلاب مطرح می‌شود:

آیا این همه مشکلات اقتصادی و اجتماعی و فشارهایی که بر توده‌های مردم وارد می‌شود چگونه حل خواهد شد؟ آیا با روش‌ها و سیاست‌هایی که تاکنون به کار گرفته شده امیدی به حل این مسائل وجود دارد؟ آیا سرنوشت آزادی و استقلال که مردم ما آن همه به خاطر آن‌ها مبارزه کرده و قربانی دادند چه خواهد شد؟ آیا بالاخره آزادی‌های مشروع مردم و نیروهای سیاسی محترم شمرده خواهد شد یا بازهم غول استبداد و اختناق و دیکتاتوری سایه خواهد افکند؟ و

آیا دست اندرکاران انحصار طلب مصمم اند تا با ادامه‌ی انحصار طلبی و افزودن فشار بر نیروهای دیگر و به ویژه نیروهای انقلابی و احياناً "سرکوب و کشتار آن‌ها این بار جنگی را در داخل کشور بر این مردم ستم کشیده تحمیل کنند؟ و آیا آینده استقلال کشور چه خواهد بود؟ می‌توان به طی جریان رهائی از سلطنتی امپریالیزم امیدوار بود یا بازهم باید نگران سازش و وابستگی مجدد همه‌جانبه به آمریکا باشیم که البته مسائل و مشکلات نظامی و اقتصادی ناشی از جنگ نیز بهانه‌های خوبی برای آن فراهم می‌کند؟ و خلاصه این که به کجا می‌رویم و دست اندرکاران و گردانندگان امور و صاحبان آریکه‌ها و اهرم‌های قدرت، این مملکت را به چه سمتی سوق می‌دهند؟

بدون شک اگر پاسخ مثبت و مساعدی برای این سوال‌ها تصور باشد لازمه‌ی حتمی آن تغییر و دگرگونی در روش‌ها و سیاست‌هایی است که تاکنون اتخاذ و اعمال شده و به اوضاع بقیه از صفحه ۲

اطلاعیه مجاهدین خلق در رابطه با روز جهانی فلسطین

یدنام حداد
و
یدنام خلق‌های قهرمان
ایران و فلسطین
مجاهدین خلق ایران
گرامی داشت روز جهانی فلسطین
بار دیگر بر وحدت ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی خلق‌ها و انقلابات ایران و فلسطین تاکید می‌کنند.
انقلاب فلسطین به خاطر نقش پیششار و انقلابی حیوانی در قلوب خلق‌ها و انقلابی منطقه‌جای داشتند و پیوسته بر حمایت و وابستگی عمیق توده‌های تحت ستم منطقه بوده و خواهد بود. بد همین لحاظ مجاهدین خلق ایران همواره بر ضرورت پیوند انقلاب ایران و انقلاب فلسطین و لزوم تعمیق هرچه بیشتر روابط دو انقلاب تاکید کرده‌اند و در حال حاضر در تلاش است که بدرغم حواشی قلبی توده‌های مردم ایران به رغم ضرورت‌های انقلابی منطقه روابط ایران با فلسطین آن چنان که تائیده است در سیاست و عمل و حماسه‌های وسیع مادی و عملی سیر بیدارانه مجاهدین خلق ایران

۱۸/۵۹/۲۶/۱۹۸۵/۱
روشت :
سفارت انقلاب فلسطین در تهران
مطبوعات و حیرت‌گرایی

بقیه از صفحه ۱۶

معرفی کتاب:

دوم شامل طرح دفاع از سیزده سنگردی، اصول براندازی در سیزده و شیوه‌های از کار انداختن بانک است در فصل سوم یا سلاح‌های سبک نیمه‌سنگین و سنگین نظیر انواع بی‌ریار، بازوگا و آرسی جی، خمپاره‌ها و نازومسک‌آسامی سوم فصل چهارم به آموزش انواع مواد منفجره دست ساز و نظامی اختصاص یافته است.

بقیه از صفحه اول

مرگ بر امپریالیسم! زنده باد آزادی!

می‌گویند و ضد امپریالیسم هستند، به جای مبارزه با آزادی "شعار و عمل" ضد امپریالیسم آمریکا را پیشه کنند. مطمئن باشند که در شرایطی که جامعه ما سراپا فریاد ضد امپریالیسمی است آزادی جز برای مبارزه با امپریالیسم نخواهد داشت.

به انعقاد ما مبارزه با این آقایان با آزادی، مبارزه با آزادی در نهایت خود و در جهت ایجاد خفائی از نوع فزون و مضافی است. چرا که اگر چنین نبود، بیسپرس بصبق و فشار و ضدیت و دشمنی را با مجاهدین خلق بعنوان ساقطه‌دار برین جریان ضد امپریالیسمی این میهن روا نمی‌داشتند. اگر راست می‌گویند که از سلطه‌ی مجدد آمریکا توسط آزادی‌های غربی‌ها سر دارند حداقل شعار "مرگ بر آمریکا" را مسوع کنید، نه این که شعار "مرگ بر آزادی" را جانشین آن سازید؛ حداقل برای کسانی که "مرگ بر آمریکا" می‌گویند، "آزادی" قائل شوید!

کردند و در این راه دهها شهید و صدها زخمی و اسیر دادیم و با باسازی هرچه بیشتر علیرغم تمام عوارضی‌ها به این راه ادامه خواهیم داد. و آنچه این روزها در کشور ما می‌گذرد یعنی عجز و ناپویی و استکباران و سازگار از حل مسائل و مشکلات جامعه و روی آوردن دم افزون بوده‌ها به سازبان مجاهدین خلق ایران بیسپرس کواخ بر حمایت راهی است که در آن گام می‌زنیم. و به همین دلیل می‌گوئیم حسن دست مجاهدین خلق و ملت آزادی از آنها یعنی مارکداشن دست امپریالیسم برای غارت خلق ولجندند برین به آمریکا.

**مرگ بر آزادی،
به جای مرگ بر آمریکا!**

خلاصه‌ی کلام: آقایانی که تحت این عنوان که در آمریکا می‌خواهند از راه آزادی بای آمریکا را دوباره به این میهن بکشایند به مبارزه با آزادی برخاستند، اگر بواقع راست

چگونه می‌تواند سابقه خون‌بار مجاهدین در مبارزه با امپریالیسم را منکر شود؟

آیا فراموش کرده‌اید آنگاه که هر یک از اغلب شما در کج غاصت داخل یا خارج کشور در بار و نعمت غوطه‌ور بودید، زنگار سلسله‌های مجاهدین جان بر کف مزدوران آمریکا در ایران را به خاک و خون می‌کشید؟

آیا دیگر به صلاحات نیست به یاد سوارید بیخ‌س از زخم‌بران فهران مجاهد سحمله مجاهد خلق حریف براد به اتهام ضدیت با رژیم آمریکائی نادمین بای نیکون به جوحدهی اعدام سیرده شدند. آیا فراموش کرده‌اید که سال‌های سال حسی نام مجاهد خلق الهام بخش و امیدوارکننده‌ی بسیاری سحمله بعضی از خود سهاها بود. آیا حال دیگر به یاد نمی‌آوردید که همین

مجاهدینی را که امروز باصطلاح دادسان انقلاب شما تحت تعقیب قرار داده‌هنگی سال‌های سال محاطر مبارزه با امپریالیسم در گوشه‌های زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها بودند؟! حال چه سدهاست که این چنین بی‌بروا و کساح ادعا می‌کنید که برای مبارزه با امپریالیسم باید برای مجاهدین خلق محدودیت بوجود آورید. آزادی‌شان را سلب کنید و حتی حق سرور و فابونی انتشار اعلامیه و نشر به راه

زعم خودتان از آنها سلب نمائید و آخر کلام اینکه اگر وجدان آگاه و بیداری بر رفتار ما در این ۲۲ ماه نظر کرده به قضاوت بنشیند خواهد دید علیرغم تمام استغادات خیرخواهانه و اصولی که داشته‌ایم هر جا که کوچکترین اقدام ضد امپریالیسمی شده ما با تمام توان به تاشد آن برخاسته‌ایم و از هر کاری برای کیک در این زمینه فروگذار نکرده‌ایم.

آری ما در این مدت هرچه در توان داشتیم برای مبارزه با آمریکا به کار گرفتیم و در عین حال بدلیل اینکه آزادی را لازمی فعالیت گسترده‌ی نیروهای انقلابی یعنی نیروهای واقعا "ضد امپریالیسم" می‌دانیم بر ضرورت آزادی نیز تاکید

را بطور جدی و رسدای صرف مبارزه با امپریالیسم می‌کردید. مبارزه با امپریالیسم حیرت‌ناشانه‌ای نیست و روس‌های مسخس دارند. برای مبارزه با امپریالیسم تمام نیروهای واقعا ضد امپریالیست را (که سایدگان افسار و گروه‌های سحمله خلعسد) بدون شک نظری و انحصارطلبی در حیثه‌ای باید متحد کرد که طبعاً این وحدت در بست خود صغوف به هم سیرده‌ی خلق را دارد. آنگاه صن افسای سندی آنچه که در زمان طاغوت عامل وابستگی بود باید به نفع این وابستگی‌ها در تمام رسیده‌ها برداخت و در این همه نباید فرارادهای امارت با اقتصاد و مضافی را اضا و لغو نمود باید سوراها را در کارخانه‌ها تشکیل داد و باید حقوق ملت‌های کوچک و جودبخاری آنها را آزاد سساده به رسمیت شناخت و ...

مأسافانه سلان کار انسان در این رسیده‌ها نیست. آنها حسی از شعار مبارزه بر علیه آمریکا نیست از آنکه برای مبارزه با آمریکا استفاده کنند به بنایه حنایی برای کوبیدن سروه‌های انقلابی استفاده کرده‌اند.

چرا درست از لحن‌های حرا دیگر ضدیت با آمریکا جندان برای کوبیدن دیگران سفد نبود و استفاده‌ی لازم را از کروگان‌ها کرده‌بودند، ناکپهان بردای از محفی کاری سداکرات با آمریکا را فزا گرفت و سانه‌های رد و بدل شده با آمریکا بدور از اطلاع همگان ماند.

واقعیت این است که حسی سفارهای ضد امپریالیسمی برای آنها سسر و سطندهای است در جهت حالی کردن سدان از حریف و سیرکز قدرت بطور تمام و کمال در دست‌های وابستگرا و انحصارطلب.

به سراجت بگوئیم ضدیت لجام کسحنه با ضد امپریالیست برین سروه‌ها سحمله سازبان مجاهدین خلق با تمام سوانق ساخته شده و درخاستان در مبارزه‌ی فاطع و فیهرآمیز با امپریالیسم، با مبارزه با آمریکا یک جا جمع نمی‌شود. و این از روز هم روشن‌تر است. مگر اینکه بخواهید سکر ضد امپریالیست بودن مجاهدین خلق شوید که در این صورت سزرکترین دغلبازان و فریبکاران تاریخ

استغادات منطقی به دولتی که حسی آقایان بست دولت امام زمان بودند سکر گرفته‌بودند سورد سقصر فرار گرفتند. زیر فشار رسده بود. آیا در دورهای که مبارزه با امپریالیسم و ابادی ساواکی و سائی آن به سکاره به فراموسی سیرده شده بود و طاغوبان و مهردهای امپریالیسم کله‌وار سائل عفو می‌سده باز زندان آزاد می‌سددن آن سوقع وابستگرا با را محاطر اضا بر افسای فرار داده‌ها. نام ساواکیان، مبارزه با مهردهای سیا و ابی سندهای رژیم فبلی، سورد طغن و لعن و ضرب و سسم فرار نمی‌دادند؟ آیا قبل از کشف و سشود این حضرات در سورد ضرورت مبارزه با امپریالیسم و فنی به خواب حروکوسی فرو رسد بودند و عافل از سوطنده‌های امپریالیسم سر در کار خود ناسند با آزاد بودیم؟ مراسم ما سورد حمله فرار نمی‌گرفت؟ اعضا و هواداران ما به خاطر فعالیت سیاسی فابوسی و رسمی در معرض حمله و دستگیری نبودند؟ روزی بود که مراکز ما سورد حمله و هجوم ساشد؟ آناهیان سوقع با تمام فریادهای ما در سورد حنای آقایان که خود در واقع بست برده بودند کوچکترین سوحقیی کردند؟ واقعیت این است که از بردای سروه‌ی سقام این انحصارطلبان در درجه‌ی اول سسترین فشار را بر روی سروه‌های انقلابی و سس از همه سازبان سجاهدین خلق ایران گذاسند و سلب آزادی‌ها را در درجه‌ی اول از ما سرور کردند و با فافا "علیرغم تمام سوانات سکر در سسایت‌ها از سنده و حده کردن‌های ابتدائی در سوردرفنا ما سزر کسیدن آنها از مواضع قدرت و طغن و لعن و سقصرشان آنچه هرگز فراموش نمی‌شده ستار به سروه‌های انقلابی بوده است.

واقعاً هدف آنها مبارزه با امپریالیسم بوده جای صرف این همه انرژی برای تحدید آزادی‌ها و سحمله این همه فشارهای سیاسی، سبلیغاسی و لاسی بر علیه ما انرژی خود

**مبارزه با امپریالیسم
همراه با تفرقه افکنی در
صغوف متحد خلق!**

اگر راست می‌گفتند و واقعاً هدف آنها مبارزه با امپریالیسم بوده جای صرف این همه انرژی برای تحدید آزادی‌ها و سحمله این همه فشارهای سیاسی، سبلیغاسی و لاسی بر علیه ما انرژی خود

اعتراض و اعتصاب غذای

زندانیان سیاسی

هوادار مجاهدین در زندان اوین

رسدکی به وضع‌شان پس از گذشت ۲۰ روز دست به اعتصاب غذای بر زده (۵۹/۹/۱) ولی در روز دوم اعتصاب غذا (۲) (۵۹/۹/۱) مسئولین سندن نامبرده بالا با دادن جای و غیره ... اعتصاب غذای بران را عمداً به اعتصاب غذای خشک تبدیل کرده‌اند. و جای بسی معجب است که اینگونه اعمال در زندان‌های رژیم آمریکائی شاه کسر به چشم می‌خورد. از مقامات مسئول نقاضای رسیدگی فوری به این مسائل را داریم با توجه به اینکه از نظام جمهوری اسلامی بیش از اینها انتظار داشته و داریم.

بنام خدا ریاست محترم دادستانی تهران محترماً به عرض می‌رساند اسجاسان زندانیان سیاسی هواداران مجاهدین خلق سلول ۹ بند ۱ سوقت اوین - اولاً: راجح به دستگیری خود. بطریق اصل مصرحه در قانون اساسی سسی بر تفکیک قوای سداکاه و عدم دخالت آنها در یکدیگر به دستگیری خود سسکام بخش سسریدی مجاهد اعتراض داریم.

ثانیاً: با توجه به اصل ۳۲ قانون اساسی سسی بر ابلاغ کسبی یا سفاخی (طرف ۲۴ ساعت) انهام شخص سسهم که باید به وی ابلاغ سود با گذشت بیش از ۲۰ روز از دستگیری‌شان تاکنون (۵۹/۹/۲) که به ما ابلاغ نشده بعرض می‌باشیم. ثالثاً: بعنوان اعتراض به دستگیری غیر قانونی و عدم

رونوشته دادستانی و روزنامه‌های: انقلاب اسلامی، میزان، کیهان، زندانیان سیاسی هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران

نگاهی به گذشته

و احوال کنونی انجامیده است که متأسفانه بدون تعارف و مسامحه باید گفت که عملکردها و سابقه‌ی تقریباً ۲ ساله گذشته امید کمتری در این زمینه باقی می‌گذارد.

نظری به عملکرد و سیاست‌های دو سال گذشته که تقریباً بلا وقفه نیز مورد انتقاد و اعتراض مجاهدین خلق قرار گرفته (انتقادهای و اعتراضاتی که متأسفانه هیچ‌گاه هم ترتیب اثری بدان داده نشده‌است) نشان می‌دهد که اوضاع و احوال کنونی کشور با تمام مسائل و مشکلاتش نتیجه‌ی مستقیم این عملکردها و سیاست‌هاست. عملکردهایی که فقدان عنصر انقلابی اصیل (منهای شعر و شعار)، با کنار زدن نیروهای انقلابی و انحصارطلبی واپس‌گرایانه وجه مشترک تمامی آن‌ها را تشکیل می‌دهد.

از همان ابتدای سرنگونی رژیم شاه و تکوین سیستم جدید می‌بینیم که هیچ یک از عناصر انقلابی که سال‌ها مبارزه‌ی انقلابی با رژیم شاه را پشت سر گذاشته و سال‌ها رنج زندان و شکنجه را تحمل کرده و بدون شکنجه‌براندختن آن رژیم سهم انگار ناپذیری داشتند در هیچ یک از نهادها و ارگان‌هایی که می‌بایست اداره و استمرار انقلاب را تأمین و آن را به سمت پیروزی سوق دهند حضور ندارند و با وجود کارآئی‌ها، آگاهی‌ها و دانش اجتماعی - انقلابی که داشتند از همان ابتدا کنار گذاشته می‌شوند.

بدین ترتیب بافت دوگانه و نامنسجم و متضادی در حاکمیت شکل می‌گیرد که ناقد عنصر انقلابی است و بعد از این تمام عملکردهای این حاکمیت که البته جنبه‌ی غالب آن را جناح انحصارطلب واپس‌گرا تشکیل می‌دهد دارای دو بعد کاملاً مشخص و متمایز است که یکی عبارت است از خط عملکرد سیستم در کنار زدن و نهایتاً ضدیت با نیروهای انقلابی و دیگری عملکرد آن در رابطه با تضادهای درونی خود. و بعد از آن تمام کارها و حوادثی که به وقوع می‌پیوندد در جوهر خود به نحوی از انحاء این دو جنبه را یا توأماً و یا به طور جداگانه در بر دارد. از جنگ کردستان، که تهری ناتوانی در برخورد با مسأله‌ی ملیت‌ها و امتناع انحصارطلبانه از تأیید و ادای حقوق مشروع و دموکراتیک مردم است تا برخورد با مسأله‌ی شوراها، از تصرف جاسوس - خائنی آمریکا و گروگان‌گیری که با شعارهای ضد امپریالیستی صورت گرفته و بیشتر و اساساً در جهت تصفیه حساب‌های درونی حاکمیت و خلع سلاح نیروهای انقلابی بکار گرفته می‌شود تا یک مبارزه‌ی ضد امپریالیستی واقعی و اصولی، و در سایه‌ی آن دولتی که تا دیروز در برابر انتقادات نیروهای انقلابی از آن، به عنوان دولت واجب‌الاطاعه و دولت امام زمان نام برده می‌شد، به عنوان لیبرال‌های سازش‌کار و غرب‌گرا ساقط می‌شود و پس از آن جاسوس‌های گروگان آمریکائی و مسأله‌ی گروگان‌ها به برگ و حربه‌ی در دست نیروهای انحصارطلب تبدیل می‌گردد که در مقاطع متعدد در مبارزات درونی و جهت کنار زدن نیروهای رقیب و تصاحب هرچه بیشتر قدرت به کار گرفته می‌شود. انتخابات پی در پی را با عوام‌فریبی و روش‌های شناخته شده که تاکنون افشا شده و در پرتو مسأله‌ی گروگان‌ها به نحو مطلوب! و به نفع خود فاتحانه! از سر می‌گذرانند. در حقانیت این مطلب که چگونه متولیان انحصارطلب در خلوت نیت باطنی خود را برای استفاده از برگ گروگان‌ها علیه رقبای سیاسی بر زبان آورده و پیرامون آن توطئه‌چینی می‌نمودند مجاهدین خلق ایران سند غیر قابل انکاری در دست دارند. این سند که ضمن آن صراحتاً چماق‌گذاری بر علیه مجاهدین نیز طراحی و دستور داده شده همراه با بسیاری اسناد دیگر قابل اقتضا است. سپس نوبت به اصطلاح انقلاب فرهنگی می‌رسد. توطئه‌ای که مشخصاً علیه نیروهای انقلابی و برای تسخیر و تصرف دانشگاه، این سنگر آزادی و مشعل همیشه فروزان فریاد و اعتراض علیه استبداد و استعمار و استثمار طرح‌ریزی

هنوز مردم ما نهاز مضمون مذاکرات سری مجلس و نهاز پیام کارتر به نخست‌وزیر ایران و نهاز پاسخی که آمریکا به ایران داده است و نه... به درستی خبر دارند

شده و با پشت سر گذاشتن حوادثی خونین نهایتاً به تعطیل دانشگاه‌های سراسر کشور منجر می‌گردد.

تحت عنوان تصفیه و پاکسازی عناصر ضد انقلاب و طاغوتی افراد و عناصر مترقی و مبارز را هم از دم تیغ می‌گذرانند و از کار بی‌کار می‌کنند. صدیق‌ترین و زحمت - کوشش‌ترین افراد که کمترین شک و شائبه‌ی هواداری از گروه‌های سیاسی و به ویژه مجاهدین درباری آنها برود از کار برکنار می‌شوند عملکردهایی که بیش از هر چیز یادآور روش‌های رستاخیزی رژیم گذشته است. چنان که گوئی کلیه‌ی افراد برای برخورداری از حق کار و تأمین شغلی در نهادها و ارگان‌ها و ادارات رسمی و دولتی یا باید طرفدار حزب حاکم بوده، و یا در برابر آن تسلیم باشند. دامنه‌ی این کار تا بدانجا گشیده که حتی دانش آموزان هوادار سازمان مجاهدین را از مدارس اخراج می‌کنند و چنان جوی از اختناق و استبداد و تفتیش عقاید در محیط‌های آموزشی ایجاد نموده‌اند که سیاست‌های ارتجاعی قرون وسطائی را تداعی می‌کند.

این قبیل عملکردها که از ماهیت نیروهای انحصارطلب حاکم نشأت می‌گیرد و متأسفانه اصرار فراوانی نیز در منتهی کردن آن به اسلام به کار می‌رود البته روش‌های برخورد متناسب با خود را نیز طلب می‌کند. و در این رابطه است که ما شاهد سیاست چماق و چماق‌داری تقریباً از همان اوایل پیروزی انقلاب بر رژیم شاه هستیم که همچون خط تاریک و سیاهی در تمام این دو سال در مناسبات جناح انحصارطلب حاکم با نیروهای دیگر به ویژه نیروهای انقلابی و بالاخص مجاهدین خلق گشیده می‌شود. به طوری که این سیاست تاکنون علاوه بر هزارها مجروح و مصدوم بیش از ۲۰ شهید از مجاهدین خلق قربانی گرفته است بی آن که حتی در یک مورد به فریادهای شکایت و اعتراض‌ها از طرف نهاد‌های رسمی رسیدگی شود.

سیاست ظاهراً غیر رسمی چماق‌داری به طور رسمی نیز با دستگیری و بازداشت و زندانی کردن اعضاء و هواداران گروه‌های سیاسی که متأسفانه غالباً با ضرب و جرح و اعمال شکنجه‌های غیر انسانی نیز همراه می‌باشد، تکمیل می‌شود، به طوری که در حال حاضر قریب ۸۰۰ نفر از اعضاء و هواداران مجاهدین خلق در زندان‌ها بسر می‌برند و اخیراً مجاهدین خلق گزارش مستندی نیز از اعمال شکنجه‌های غیر انسانی علیه اعضاء و هواداران خود به پیشگاه خلق قهرمان‌مان تقدیم کرده‌اند.

وضع امروز زندانیان سیاسی و مسأله‌ی شکنجه‌مضامین تمام جوانب اوضاع و احوال کنونی کشور خود به روشنی بیان این حقیقت است که سیاست‌های واپس‌گرایانه و عملکردهای غیرانقلابی و غیر مردمی و ضدیت با نیروهای ترقی‌خواه و انقلابی نهایتاً از کجاها سردر می‌آورد. آری امروزه ما به جایی رسیده‌ایم که هنوز دو سال از پیروزی قیام نگذشته باید مجدداً به مسأله‌ی شکنجه و زندانیان سیاسی بپردازیم. امروزه ما به جایی رسیده‌ایم که مجدداً زندان‌ها از مجاهدین خلق پر می‌شود و آن‌ها را رسماً تحت تعقیب قرار می‌دهند. امروزه ما به جایی رسیده‌ایم که قدرت پرستان و انحصارطلبان رسماً و علناً و عوام‌فریبانه به جنگ با آزادی برخاسته‌اند و این خیزش به سمت اختناق و استبداد هرچه بیشتر را با شعارهای به اصطلاح ضد امپریالیستی و ضد لیبرالی می‌پوشانند، در حالی که صحنه‌ی عینی و عملی جامعه بهترین آزمایشگاه است و عملکرد این نیروها که امروزه بر علیه آزادی قیام کرده‌اند، به روشنی نشان می‌دهد که تمام شعارهای ضد امپریالیستی و ضد لیبرالی آنها نیز از مواضع انحصارطلبانه، و نه فی‌الواقع از مواضع ترقی خواهانه ناشی می‌شود و گر نه هیچ نیروی واقعا ضد امپریالیست این بقیه در صفحه ۱۵

بحران اعتماد...

بله! اگرچه آقایان بالاخره در طول ۲ ماه تسلیم برخی واقعات شده‌اند و دیگر نمی‌خواهند مثل اوایل جنگ با بوب و شر صف‌ها را از پس بگرد و با قیمت‌ها را بائس بناورند (حتی خود راساً وارد شده قیمت‌ها را افزایش هم می‌دهند!) اما باز از قبول و اعتراف این نکته که کمبود وجود دارد و "صف" معلول وضعیت جنگی است ابا دارند، معلوم نیست که این‌آیا به علت آنست که آقایان در صبر نا- خودآگاه خویش به این نکته واقفند که مسئول عمده‌ی وضع فلاکت‌بار کنونی می‌باشد یا این که...

به هر حال هرچه که باشد این نکته در آن صبر است که حضرات به فهم و شعور مردم کم بها می‌دهند، دیگر سبوت‌های دیگر این مسأله را به روسی نشان خواهد داد.

دروغ ملیح آقای وزیر

آقای وزیر آموزش و پرورش جدید در اولین مصاحبه‌ی رادیو تلویزیونی خود بعد از انصباب به سخن جدید ضمن بسیاری از حرف‌ها و وعده‌ها در جواب سؤالی بی‌سابقه سوخت مدارس می‌فرماید: "این نظر جای هیچ‌گونه تخریب نیست زیرا ما از قبل پیش‌بینی لازم را کرده‌ایم به این ترتیب که هر مدرسه سوخت رسانایی خود را از تابستان تهیه کرده است!"

دروغ آن هم با آن ساسی‌گری واقعا که نوبت است و هر بجه‌ی مکملی و غیر مکملی به آن می‌چندد، حسب‌برادرا شما از آن طرف مرتب به مردم نهیب می‌زنید که مواد سوختی انبار نکنند، خطرناک است، هرکس چنین کند محکوم است. ضد انقلاب است، عامل دسیس است جدا است و جداست و... حتی برای تشبیه و جریمه‌ی این افراد قانون و سیاست‌ها فرار می‌کنید، اما از آن طرف خودتان می‌گوئید که تمام مدارس، که مصرف سوختشان چند برابر یک محل مسکونی است و حد اقل چند هزار لیتر را شامل می‌شود، از تابستان نفت‌انبار کرده‌اند؟

اما خوب جای تخریب نیست، زیرا مردم باور نخواهند کرد. حد اقل به یک دلیل از بقیه در صفحه ۱۳

قیما: صفحه اول

وحشیگری چماقداران و حامیان مسلح آنها در آمل

چماقداران با هجوم به خانه شهید بکمک گاز اشک آور و تراندازی جسد را از خانه ربودند.

کرده و در نهایت به قادی محله این شهر هجوم برده و قصد درگیری و تشنج داشتند که با مقاومت دلیرانه مردم آگاه محله پراکنده شدند.

اما ساعتی نگذشته بود که بار دیگر (در ساعت ۵ بعد از ظهر) حدود ۳۰۰ نفر چماقدار که اکثرا از روساهای اطراف اجیر شده بودند و با حمایت دهها نفر ژند بدست که به لباس پاسدار ملیس بودند به قادی محله آمده و به تکیه ای این محله هجوم بردند. مهاجمین با مقاومت مردم روبرو گشتند و سرانجام با استفاده از گاز اشک آور و نیراندازی پاسداران با وحشیگری تمام که بیشتر خاطرات دوران شاه جلاد را زنده می کرد موفق می شوند حدود ۴۰ نفر از زنان و مردان شرافتمندی را که از تکیه خود دفاع می کردند دستگیر و بیش از ۱۰۰ نفر را مجروح کنند. این حملات وحشیانه با ساعت ۱۲ شب ادامه داشت و در گوته و کنار محله، مردم برای جلوگیری از گاز اشک آور اقدام به روشن کردن لاسیک نمودند.

صبح پنجشنبه نیز چماقداران و ژند بدستان شهر را فرق کردند و هرکس قصد خروج از خانه را داشت با رگبار هوایی وادار به بازگشت می شد. ولی علیرغم اینها خانواده های محله و افراد دستگیر شده در فرمانداری آمل مشخص شده و دیروز و بازگشت امنیت و آزادی به شهر بودند. ولی از مقامات مسئول جوابی نشنیدند چماقداران با حمایت افراد مسلح پاسدار و فاجت را به اجرا رسانده که به متخصصین حمله ور شده و با گاز اشک آور و نیراندازی شروع به پراکنده کردن مردم بخصوص خانواده های مشخص نمودند. زد و خورد ها و حملات وحشیانه ادامه داشت و در بعد از ظهر پنجشنبه کارگر مجاهد حسین سالار محمدی با کلوله ای ژند که به قلبش اصابت نمود به شهادت رسید.

مردم آمل جسد وی را به خانه اش بردند ولی پاسداران و چماقداران با هجوم به خانه شهید به کمک گاز اشک آور و نیراندازی جسد را از خانه ربودند، و اجازهای دفن و تشییع به خانواده اش علیرغم گواهی فوتی که داشتند نداده، و خودشان مخفیانه جسد را به

کورستان برده و فردی به نام دشمنی که خود سبب اصلی این جریانات است جنازه را دفن می کند. مردم آمل از وقایعی که دقیقا دوران دیکتاتوری شاه کثیف را به خاطر می آورد در بهت و حیرت بوده ولی هم چنان ماسد آن دوران فعال و برخورد از حینیت و شرافت خود و احقاق آزادی و امنیت که از حقوق اولیدی هر انسانی است دفاع می کنند. مردم در فرمانداری مشخص می شوند، و چندین مدرسه به حمایت از مردم آمل تعطیل شده و طی نظاهرات آرامی حواسار

همچنین بازاریان آزاده ای شهر آمل به دنبال این حملات وحشیانه مدعی بازار را تعطیل کردند و از مقامات خواهان رسیدگی شدند.

خانواده ی مجاهد شهید

حدود ۲۰۰ نفر از هواداران توسط مهاجمین دستگیر شدند که از این عده بیش از ۷۰ نفر هنوز در زندان هستند.

رسیدگی قانونی به این وقایع شده اند، هم اکنون مردم آمل با بیش از ۷۰ زندانی مربوط به این جریان (البته زندانیها ۲۰۰ نفر بودند که در اثر فشاری که مردم آوردند تعدادی از آنها آزاد شدند) و داشتن بیش از سیصد زخمی و مجروح و یک شهید با نامه های مکرر

سند اداری در خصوص این واقعه
طبق دستور ۳۷۸۱۰ / ۵۹/۹/۱۳
۵۹/۹/۱۳
۱۴ / ۵۹/۹/۱۳ / ۳۷۸۱۰ / ۵۹/۹/۱۳
آید نظر دار حکومت صدری اجیر شده و در بازگشت
نصفه صدری طرف راست حدود در برین محل خارج شهر است
و باعث پارگی قلب و عروق بزرگ
است کفن و دفن بلا مانع می باشد
دکتر محمد رضوی

گواهی می شود
طبق دستور ۳۷۸۱۰ - ۵۹/۹/۱۳ / ۵۹/۹/۱۳ دادستانی محترم آمل به صورت جلسه ی مورخ ۵۹/۹/۱۳ از جسد مرحوم حسین سالار محمدی معاینه بعمل آمد گلگوله از جلو قفسه صدری از ناحیه قلب وارد و از پشت قفسه صدری طرف راست حدود زیر بغل خارج شده است و باعث پارگی قلب و عروق بزرگ فوت کفن و دفن بلا مانع می باشد.
دکتر محمد رضوی

متن اعلام جرم

خانواده مجاهد شهید سالار محمدی

بسم الله الرحمن الرحيم
جناب دادستانی کل کشور:
بار دیگر کارگر مظلومی بدست چماقداران و ژند بدستان و در راه خدا و خلق به شهادت رسید و لگدهی ننگ دیگری بر دامن آفتابانی گذاشت که به نام دین و مسلمانی تیشه بد ریشه ای اسلام می زنند روز گذشته پس از سه شبانه روز یورش و حملتی مسلحانه عده ای در لباس پاسدار به مردم بی پناه و ایجاد حکومت نظامی در شهر فرزند کارگرم که هوادار مجاهدین خلق بود و در زاد آرماتهای انقلابی اسلام راستین گام برمی داشت به ضرب کلوله ای نا جوان مردانه پاسداری از پای در آمده و به شهادت رسید.

آنها ساعت ۲ بعد از نیمه شب جنازه ی فرزند شهیدمان را آورده و تصمیم داشتند با پرداخت چهل هزار تومان ما را تطمیع کرده و خون شهید را پایمال کنند.
البته ما می دانیم که اگر اینکار را انجام می دادیم و با خون او معامله می کردیم روح او همیشه در عذاب بود و روز قیامت در سربل صراط راه را بر ما می بست حال چه دستبائی پشت سر است و این پول را چه گسائی فرستاده بودند خدایمان داد، ولی بی شک عاملین از خدا بی خبر اینگونه جنایات و وحشیگریها بالاخره رسوا خواهند شد.

آنها پس از اینکه از این امر نا امید شدند برای ممانعت از تشییع جنازه ی فرزندمان خانه را به محاصره ی چماقداران در آورده و با ایجاد رعب و وحشت جنازه ی او را گرفته و بدون حضور مردم و بستگان و حتی خانواده ی او اقدام به دفن آن می نمایند و ما می خواهیم بدانیم که در کجای دنیا دیده شده که با مردم اینگونه رفتار کنند. ما حتی در زمان شاه جنایتکار می توانستیم شهادی خود را تشییع کنیم و عمال رژیم شاه جرات چنین کاری را که پاسداران با ما کردند نداشتند و سپس با کمال بی شرمی اعلام میهای پخش کردند و برای لو ت کردن

شهادت فرزندمان مقداری دروغ سرهم بندی کردند و می خواستند شهادت او را به دیگران نسبت دهند البته گواهی پرشکی که در آن قید شده فرزندمان مجاهد شهید حسین سالار محمدی در اثر اصابت گلگوله به قلبش از پای درآمد مشیت دروغ پردازان خوریز آدمکش را باز کرد.
همه ی مردم آمل می دانند که چماقداران و ژند بدستان به نام پاسدار چندین روز است با کلوله و گاز اشک آور هرگونه آسایش و امنیت را از مردم سلب نموده و می خواهند به شیوه ی دیکتاتورها صدای اعتراض و فریادهای حق طلبانه مردم را در گلو خفه کنند.
ما نسبت به قاتلین فرزند شهیدمان که عناصر وابسته ی پاسداران بخصوص چهره ی منفور و کثیف آخوند دشمنی که یکی از سردمداران این جریان بود اعلام جرم نموده و از شما می خواهیم که هرچه زودتر پاسدار قاتل را دستگیر و دست اندرکاران را به سزای اعمالشان برسانید در غیر اینصورت در این ماه محرم شگایت شهادت مظلومانه ی فرزند مجاهدمان را پیش هفتاد و دو تن شهیدای گریلا و سرور شهیدان حسین بن علی (علیه السلام) می بریم و قسم یاد می کنیم که روز قیامت نه ما و نه فرزندمان از قاتلین و شما نخواهیم گذشت

خانواده ی مجاهد شهید حسین سالار محمدی
۵۹/آذر/۱۴
مصطفی سالار محمدی و محمد سالار محمدی (برادران شهید) اثر انگشت مولود محمدی (همسر شهید) اثر انگشت عفت سالار محمدی (خواهر شهید) اثر انگشت عذرا جوان (مادر شهید)
رونوشت به:
دفتر ریاست جمهوری آقای بنی صدر
رئیس مجلس شورای اسلامی
روزنامه ی انقلاب اسلامی
روزنامه ی میزان
وزیر کشور آقای مهدوی کتی

کمه، بیزینس کمه، بودجه بیست ناچاریم بزیرو گرون کنیم. شما هم باید تحمل کنید، به خدا ما قبول می‌کردیم، گذشت ما خیلی بیش از این حرفاست، مکه نا حالا نکردیم؟ مگر دوران انقلاب نکردیم؟ سو انقلاب ما دار و ندارمون فروختیم و خوردیم، کفیم انقلابه باید صبر کرد، زم هرچه طلاآلات داشت برد داد خانه سازی مستضعین، اما حالا دیکه حاضر نیسیم، چون دیکه اعتماد نداریم، ببینید سر همین بیزینس چه بازی سر ملت درآوردن! اولش گفتن ضدانقلاب صف درست می‌کنند! بعد معلوم شد که بیزینس کند! الان هم که میخوان بزیرو گرون کنن میان آسون و بیسبون به هم می‌بافن. خوب بابا مردم که خر نیسن، منکن نباید تفاوت میدیم، ما باور نمی‌کنیم، اون دفعه هم قرار بود بدن، ندادن خوردن رفت، خوب وقتی لیتزر ۲ زارو ندادن ما چطور باور کنیم لیتزر ۲ نوبو میدن؟! منکن است که مقامات دس‌اندراکار، این حرفها را هم "سر اکادیم" و "پخش شایعات" میداند اما واقعا کیست که این حرفها و نظیر اینهارا تشبیه باشد و هر روز سز نشنود و نداند که این حرفها زبان حال بسیاری از مردم از غر فشر و صفی است؟ البینه ما در اسحا تاکید نمی‌کنیم که عینی موارد این حرفها و درد دلها دقیقا سطبق با واقعیت است، بلکه جریان عمومی رابطدی مردم با مقامات و مسئولین را مدنظر داریم.

اکنون مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی یا خود می‌اندیشند که چه میزان از آن سرمایه‌ی عظیمی را که پس از انقلاب به بهای خون هزاران شهید نصیب ایشان شده بود حفظ کرده‌اند؟ و همچنین آیا هیچ بی‌اندیشندی که خود تا چه اندازه در به یاد دادن این "سرمایه‌ی خون آورده" سهم بوده‌اند؟ گمان نمی‌کنیم که آقایان زحمت این اندیشه‌های

سائل و مصائب و کمبودها، نیز با خود همراه می‌آورد. که این آثار اخیر شامل هندی افراد و افشار مملکت می‌شود (برخلاف تلفات و ضایعات) سقیم که عمدتا مردم نواحی درگیر جنگ را در بر می‌گیرد). دولتهای سردی که هیچ سز پنهانی با خلق ندارند، اگر در جنگی درگیر شوند، که البته جنگی عادلانه و بخاطر مردم است، مردم نیز طبعا

دیدند و صداسند و لیس می‌گردند **توهین وار عاب شیوه‌ی مکتبی! حل مسالده‌ی کمبودها!** اما آقایان نه تنها هیچ تدبیر صحیح و اساسی در جهت رفع مشکلات مردم و در جهت تامین کالاهای مورد نیاز اتخاذ نمی‌کردند و باز به سها موضوعی در مورد این مسائل و

بقیه از صفحه‌ی اول
بحران "اعتماد عمومی"
نگاهی به موضوعگیرها و برخوردهای مقامات مملکتی در رابطه با کمبودهای ناشی از جنگ

ملاال‌آور را به خود بدهند، این رانجربدی که از رفتار گذشته آنان داریم می‌گوید. تا بحال چنین بود که مقامات مسئول، گناه ننام شکستها و ناکامیهای خود و از جمله بی‌اعتمادی عمومی را به کردن مخالفین خود و نیروهای انقلابی بخصوص مجاهدین گذاشتند و در هیچ موردی اساسا به این فکر نیفتادند که نکند اشکال از خودشان باشد و یا لااقل یک جای کار آنها عیب‌ناک باشد. به اصلا

خود را برای تحمل همه‌گونه عواقب آن آماده می‌کنند، لذا این دولت‌ها نری ندارند از اینکه تلفات و ضایعات خاص جنگ و هم آثار و مسائل حسبی آن را همانگونه که هست با مردم خود در میان بگذارند و از ایشان اسمداد بطلبند، اما مقامات مملکت ما به سها از بیان واقعیت روزیادها و تلفات و ضایعات نیروهای ما در جبهه به مردم خودداری کردند و بی‌کسند، بلکه حتی از قبول واقعیهایی نظیر کمبود کالاها و نظایر آن که مردم در همه جای کشور آن را همواره لمس می‌کنند نری خودداری می‌ورزند.

مشکلات به مردم نمی‌دادند بلکه این واقعیات را صرفا شایعات و اکاذیبی که دشمنان و صد انقلاب برانگنده اند به حساب می‌آوردند و کماسی را که از سر ناچاری و برای بهیندی ما یحتاج زندگی در صف می‌ایستادند با انواع فحش‌ها و ناسزاها و بوهین‌ها آورده و منجر می‌گردند. مثلا روزنامه‌ی ارگان حزب حاکم در سرمقاله‌ی اول مهرماه خود چنین می‌نویسد: "صد انقلاب، ساواکی‌ها و مردوران رژیم سابق دست به ایجاد صف‌های مصنوعی برای نفت، سرس و مواد اولیه خواهند زد تا بدین ترتیب حلقه‌ی به هم پیوسته‌ی جنگ عظیم روانی کامل تر شود"

رنگی حقارت‌بار کاستند کارانه را بیس؛ به حمال خودش می‌خواهد علاج واقعا قبل از وقوع کند و مردم را با این بوپ و نسرها و حشو ناسزاها مرعوب کند چون می‌داند به دلیل وقوع جنگ و صدمات ناشی از آن و هم‌چنین ندانم‌کاری‌ها و عدم پیش‌بینی‌های خودشان کمبود آبروی شهری است؛ و با رندس مجلس سورا در سخنانی که در روزنامه‌ی دوم مهرماه حزب حاکم چاپ شده چنین می‌گوید:

"عده‌ای از این آقایان بی‌کار ماشین‌های خود را از خانه‌هایشان بیرون آورده و در صغوف پمپ‌های بنزین نگه داشتند، برای این که مردم را از کمبود بنزین به وحشت بیدارزند. عده‌ای دیگر در برابر مغازه‌های فروشنده‌ی مواد غذایی اجتماع می‌کنند و صف مصنوعی ایجاد می‌نمایند تا

مردم را از کمبود مواد غذایی بترسانند و در همان صف اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس را مستر می‌نارند. من به نام مردم تذکر می‌دهم و اعلام می‌کنم که این گونه اعمال کارهای ضد انقلاب است یعنی احتکار کردن و دحبیره کردن سجا و بیش از نیاز و حرص ردن برای احتکار؛ کارهایی بر خلاف جهت مصالح انقلاب است" برای مردم مظلوم تحمل انواع محرومیت‌ها و روح اضطراهای چند ساعه برای دست آوردن مایحتاج روانه کافی نیست که باید به عنوان "صد انقلاب" از جانب آقایان هم متحجر شوند؛ مردم وقتی در صف‌ها به هم می‌رسند یا لیحد تلخی به یکدیگر می‌کنند، "س شما هم صد انقلاب هستید!" و ناچار جوری است که همدی مردم صد انقلاب‌اند؟! "

وقتی مقامات مسئول از بریبون رسمی مجلس دربار می‌سائل این جنس اظهار نظر کند و همدی مردم را صد انقلاب و عامل دشمن و ... بدانند تکلیف بقیدی مقامات ارامام حمعه‌ها گرفته با روزنامه‌های که دشنام سبوهی برسوم آناست گفته روس می‌باشد که حظور بی‌دریغ بر سر مردم انواع فحش و ناسزا و ظنده و عریض باریند از فصل صد انقلاب مردور صدام حسین در حدس، آمریکا، جاسا آمریکائی سون پنجم دشمن، سحرگر و ...

تسلیم در برابر واقعیت‌ها
اما بالاخره واقعیت سرسخت تر از آن بود که آقایان بتوانند کماش کنند. اخبار سر تسلیم در مقابلش فرود آوردند و بدین‌سند که "واقعا کمبودهایی وجود دارد" و دست به جبره بندی مواد غذایی و کالاهای ضروری زدند. امام جمعه‌ی تهران در خطبه‌ی نماز ۳۰ آبان چنین گفت: "مردم ما هر کدامان در هر نعطدای از ساطق این مملکت و در هر قشری اراقتار اجساعی زندگی می‌کنند مشکلات را لمس می‌کنند، همدی ما هر کس بان لازم دارد، در صف می‌ایسند. صف مال امروز هم نیست در گذشته هم نانوائی‌ها غالبا سلوغ بود. یک وقت بدون صف می‌ایستند، یک وقت با صف می‌ایسند. بسیاری از اوقات همیشه صفای‌ها سلوغ بود. گاهی صف می‌بندید. گاهی صف می‌بندید." بقید در صفحه‌ی ۴

کجروی و برخوردهای ناصادقانه علت بی‌اعتمادی مردم است

ما در اینجا سعی می‌کنیم که با بیان موضع‌گیری‌ها و عملکردهای مقامات مسئول و غیرمسئول! مملکتی حول مسائل و کمبودهای ناشی از جنگ (به عنوان نمونه) نشان بدهیم که چگونه این برخوردهای غلط و ناصادقانه‌ی خود حصرات بود که باعث شده آن اعتماد نامحدود روزهای اول، که به گفته‌ی آن راننده‌ی تاکسی و اظهار مکرر خود آقایان، مردم حاضر بودند با یک تقاضا نام دار و ندار و هست و نیست خود را در طبق اخلاص بگذارند و به انقلاب قدیم کنند، جایش را به روحیدای بدهند که همان مردم حالا قسم و آبدی حکومت را باور نمی‌کنند و حاضر نیستند از آنچه که حق خود می‌دانند تصرف نکنند طبیعی است که هر جنگی علاوه بر تلفات و ضایعات سقیم در میدان جنگ بسیاری

تقدیر از صفحه اول

اعتراض گسترده بر علیه حکم ساواک مآبانه احضار رهبران مجاهدین

ما در این شماره حتی از این اعتراضات را از نظران می‌گذرانم زیرا جاب همی آنها بدلیل حجم زیادشان از یک سو و کمبود جا از سوی دیگر امکان پذیر نبود. امید است در شماره‌های بعدی بتوانیم حتی الامکان آنها را منتشر سازیم.

هموار کردن راه امارت و وابستگی به امپریالیست‌ها ندارد. به نظر می‌رسد. بویژه که سروهای انقلابی و برافروخته چه در داخل و چه در سطح بین‌المللی در برابر جنس انفرادی ساکت نیستند و پیوسته آنها را افشا خواهند نمود.

و خرسند سازد. و مخصوص که حرکات پشت پرده و مذاکرات محرمانه‌ی دست اندرکاران ساست ایران با آمریکایی‌ها در حسن شرایطی ادامه دارد! البته اینکه حشرات چه طرفی از این جوی خردمی‌ها سدید و طرف مذاکره با چه

گزارش لوموند

یکی از رهبران اصلی مجاهدین خلق ایران (مسلمانان مترقی) آقای محمد رضا سعادت به جرم "حاشی" به نفع شوروی" روز شنبه به ۱۰ سال زندان محکوم شد...

سعادت که به وسیله دادگاه انقلاب اسلامی محکوم شده است، بر طبق قانون اساسی امکان درخواست فرجام ندارد. مدتی که نشان‌دهنده محکومیت او باشد، وجود نداشته است. و از طرف دیگر رهبر سازمان مجاهدین می - بایستی دفاع خودش را شخصا به عهده بگیرد. و کیل او یعنی آقای لاهیجی موفق به دریافت پرونده‌ی وی نشده بود آقای لاهیجی اظهار کرد که موافقتی بر سر راه او قرار داده شده تا او نتواند در دادگاه شرکت کند، در صورتی که دادگاه رسماً ممنوعیتی برای شرکت او قائل نشده است. آقای لاهیجی که خبر محکومیت موکل خود را از طریق تلویزیون سنی شب دریافت کرد به آژانس فرانس پرس چنین اظهار کرد که من با این محکومیت مخالف هستم و این محکومیت را عادلانه ندانم، چرا که سعادت هیچ گونه جرم و جنایتی انجام نداده است. محکومیت سعادت در تهران باعث جنب و جوش زیادی شده بود. شخصیت‌های زیادی منجمله همسر آیت‌الله طالقانی به امام خمینی نامه نوشته و درخواست آزادی فوری سعادت را کرده اند.

تکرانی بیشتر آنجاست که در پایان دادگاه آقای موسوی درخواست دستگیری تمام کادر رهبری سازمان را کرده است. ۸۰ مبارز مجاهد اخیراً در خوزستان دستگیر شده و در آبادان در زندان به سر می‌برند بیست نفر دیگر دو هفته‌ی پیش در شیراز دستگیر شده و به شش ماهه و دو سال زندان محکوم شده‌اند. سیدسید / ۱۸ / نوامبر / ۱۹۸۰ / لوموند. تقدیر از صفحه اول

تلگراف هابسدان به وزیر امور خارجه جمهوری

دموکراتیک خلق الجزایر

به دولت ایران بگوئید، تبعیقات علیه سازمان مجاهدین خلق ایران را خاتمه دهید. (سعادت، کسیدی مرکزی) ای. جی. هابسدان ۲۱ / نوامبر / ۱۹۸۰

تلگراف کمیته دفاع برای آزادی سعادت

به سفرای لیبی، الجزایر و فلسطین در تهران

آقای سفیر:

اجازه می‌خواهیم قدردانی خود را به خاطر کوشش فراوان شما و دولت مطبوعتان برای بدست آوردن آزادی محمدرضا سعادت به عرض برسانیم. گرچه با کمال تأسر خبر ۱۰ سال محکومیت سعادت را که به جرم "اخلال در روابط ایران و آمریکا" و اتهام واهی "حاشی برای شوروی" دستگیر شده بود، دریافت نمودیم، ولی این حکم خدشناک به حقیقت امر که همانا مبری بودن وی از اینگونه توطئه‌ها است، وارد نمی‌سازد. ما نیز چون شما شاهد تحولات خرابانگیز حاکم بر ایران و عملکردهای غیرانسانی دادگاه نسبت به مبارزان درخشان سعادت و سازمان مجاهدین خلق ایران بوده و هسینم‌واز سالها قبل نیز پشتیبانی خود را از مبارزات ضد امپریالیستی خلق قهرمان ایران اعلام نموده‌ایم. ولی سکوت در برابر چنین حق‌کشی آشکاری را ضریبای به تعاضی مبارزات حق طلبانه‌ی خلقهای تحت ستم جهان و نیروهای انقلابی می‌دانیم.

کسیدی دفاع برای آزادی سعادت که از میان فریب ۵۰ گروه، انجمن، حزب، وکیل و عناصر و اسنادان مترقی و ضد امپریالیست جهان تشکیل یافته، ضمن تاکید بر وحدت ضد امپریالیستی تمام حلقه‌ها، و نیروهای مترقی و انقلابی جهان مصراً تقاضا می‌کند که دولت مطبوع شما نفس تعال خویش را با آزادی سعادت ادامه دهید.

با تشکر کمیته دفاع برای آزادی سعادت
رونوشت: به وزارت امور خارجه‌ی کشورهای لیبی، الجزایر و فلسطین.

سفارتخانه‌های این کشورها در واشنگتن و تهران

تلگراف به وزیر امور خارجه جمهوری

دموکراتیک خلق الجزایر و

جمهوری عربی سوسیالیستی خلق لیبی

بکران اتفاقات ایران، تضیدی سعادت، تبعیبات کسیدی مرکزی "سازمان مجاهدین خلق ایران"، درخواست این که شما با دولت ایران صحبت کنید تا فشارهای سیاسی بر سازمان مجاهدین خلق ایران را خاتمه دهید.

باب رایت - دبیر دوم اتحادیه‌ی اتلاف کارگران میهنی وان - نول - سیدسید / ۱۸ / نوامبر / ۱۹۸۰ / لندن - انگلستان

اطلاعیه مرکز تحقیقات

ضد امپریالیستی در رابطه با تعقیب رهبران مجاهدین و حکم دادگاه سعادت

رضا سعادت از رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران به ۱۰ سال زندان محکوم شد. دادگاه ایران حرمت کرده‌است در همان دادگاه‌هایی که شک‌دجوی‌های ساواک و مسئولین کسار ۱۹۷۸ را محاکمه کرده‌است، وی را که مبارزی بی‌چون و چرا علیه رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا می‌باشد، محاکمه کند. کیفیت دستورالعمل و وضعیت جلسات گواه این مطلب است که وی را به خاطر عملی که انجام داده محاکمه نگرداند و بلکه به خاطر فکری است که وی سلورس بوده‌است محکوم شده‌است. زمانی که برای دادگاه در نظر گرفته شده‌است، بنا بر این مطلب است که برای محافل حاکم بر دولت ایران سازره علیه ابوریسون مترقی مهمتر از همسنگی ملی در مقابل خطر امپریالیستی و حتی تجاوز خارجی می‌باشد. حکم بازداشت که همراه با محکومیت سعادت علیه موسی خنابایی و حسن رضائی دو تن دیگر از رهبران مجاهدین صادر شده، مصوبه‌ای است که جنس طرز فکری است.

مرکز تحقیقات ضد امپریالیستی (سی.دی.ئی) همیشه در گذشته سرکوب و استبداد مشخصه‌ی دیکتاتوری شاه را محکوم کرده‌است و از کسانی که علیه آن اقدام کرده‌اند حمایت کرده‌است. (سی.دی.ئی) از این که به دنبال کسار مردم کرد و اقدام چند تن از فعالین گروه‌های مختلف جنب مقاومت ایرانی امروز مستقیماً علیه یکی از مهمترین سازمان‌های ابوریسون انجام می‌کند، اترجار و نفرت عمیق خود را ابراز می‌دارد. چرا که از این طریق این مقامات ضریب سدید جدیدی به حقوق سیاسی مورد قبول قانون اساسی ایران و آرزوهای انقلابی که به دنبال سقوط رژیم شاهنشاهی در سدای خلق ایران بولد باقی‌می‌ماند، وارد می‌آورد.

مرکز تحقیقات ضد امپریالیستی (سی.دی.ئی)
آدرس: ۱۴ خیابان ناسوی، پاریس ۷۵۰۱۵ تلفن ۵۱۴۴۳۳۸

تلگراف انجمن دانشجویان مسلمان - انگلستان

سفارت جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر - تهران
سفارت جمهوری عربی سوسیالیستی خلق لیبی - تهران
سازمان آزاد بخش فلسطین - تهران
به پیوست تلگراف قبلی (۱۵/ نوامبر) ضمن قدردانی از زحماتی که در خصوص برادر سعادت سحیل سدید، خواستار کوشش مجدد شما برای تماس با دولت جمهوری اسلامی با در نظر گرفتن روابط خوبی که دارید، جهت برداشتن تبعیقات وارده بر مجاهدین خلق که انقلاب را به خطر می‌اندازد، هستیم.

انجمن دانشجویان مسلمان - انگلستان
۱۹ / نوامبر / ۱۹۸۰

از صفحه اول

گزارشات مستند در مورد شکنجه

(قسمت دوم)

در سناری کدشده نمونه‌هایی از ضرب و جرح و شکنجه‌های کوباکون بر اعضا و هواداران را بر سردم و در این شماره قسمت دیگری از این سلسله اعمال را که کوبا فرار هم نیست کسی از مقامات مسئول بدانها توجه کند. به دنبال خواهیم آورد بدین خاطر که باعث افزایش هرجه بیشتر آگاهی خلقمان و رسوایی هرجه فروزر برجعی بود که مسافانه و به دروغ پشت نام مقدس اسلام سکر گرفته‌اند.

آخر چه کسی ناور می‌کند که اسان در خط اسلام و ایمان بر حق آن باشد؟ در حالی که این مدعیان دروغین اسلام و انقلاب جدما که نمی‌کنند. از بازداشت‌های طولانی غیرقانونی گرفته تا ضرب و ستم و شکنجه‌های جیدن ساعده. از "عقد گرفتن" برای عدم فعالیت سیاسی گرفته تا کوشش‌های مافیاترستی برای سوءاستفاده تبلیغاتی از خانواده‌ی دستگیرشدگان بر علیه مجاهدین و در این راه حتی حریت مادران ۶۰-۵۰ ساله و خواهران ۱۳ ساله را نیز نکه دانسته و آنان را به جرم! اخلاص در نظم!! به بازمانده و سلاق می‌زدند. کاری که حتی مزدوران شاه در اوج وحشگری حوس سز از احرام آن انا دانستند.

سماهی آنچه را که در سناری کدشده و سز این شماره ذکر کرده‌ام صرفا نمونه‌هایی از یک جریان هستند و به اصطلاح مشی از حروار. علمیدا اگر مقام مسئولی پیدا شود که حاضر به تحقیق در این زمینه باشد. ما حاضریم با تمامی اسناد و مدارک افراد شکنجه شده را برای ادای شهادت دعوت کنیم. همجنس در این جا یکبار دیگر از بنای خواهران و برادران و هموطنانی که خود و با آسانی از آنان مورد شکنجه و ضرب و جرح واقع شده‌اند. می‌خواهیم که اسناد شکایات و مدارک خود را برای بافرسند که آزادی صرفا وقتی وجود دارد که از زور و زورکوبی و شکنجه حبری نباشد والا...

اعلام جرم ۵۱ تن از زندانیان سیاسی شکنجه شده در قائمشهر

دادستان محترم کل کشور: در شرایطی که میهن ما مورد تهاجم نیروهای امپریالیزم و وابستگی در منطقه و رژیم مستبد حاکم بر عراق و نیروهای ضد انقلاب قرار دارد و نیاز مبرمی به وحدت تمام صفوف مردم در مقابل این تهاجمات

دخالت و حمایت عسلی عناصر مسلح کمینه و پاسدار در فام- شهر (روزهای ۲۹ و ۳۰ شهریور) دستگیر و اکنون در زندان شهربانی ساری زندانی شده‌ام در حبس دستگیری و انتقال به کمینه یا مرکز سیاه شدیداً مورد ضرب و جرح قرار گرفته‌ام بطوریکه یک نفر با تأکید بر شک بی‌نیاش شکسته و دیگری سر و جانهاش شدیداً آسیب دیده است. پس از انتقال به زندان ساری هنوز وارد نشده‌ام عده‌ای از ما از طرف پاسداری به نام کاکوئی به زیر مشت و لگد برده شده‌ام تا به اصطلاح

در روز سه‌شنبه ۱/مهر/۵۹ همه ما نسبت به بازداشت غیرقانونی و عدم ابلاغ حکم پس از ۲۴ ساعت اعتراض کردیم. شب همان روز پاسداران مستقر در زندان به بند زندانیان سیاسی حمله برده و سپس تک تک ما را به شدیدترین وجه سلاق زدند که تمام آثار آن بر تن ما باقی است. افرادی به نام‌های کاکوئی، رنجبر، باغیوی که بعضاً سرخود را پوشانده بودند این به اصطلاح شکنجه‌ی شرعی را اجرا کردند

بیشتر احساس می‌شود ما بیش از ۵۰ تن از هواداران سازمان مجاهدین خلق پس از مورد تهاجم قرار گرفتن، در خانه و کوچه و خیابان و محل کار از طرف نیروهای چاق‌دار و

پس از ۲۴ ساعت (طبق قانون اساسی) اعتراض کردیم از حاکم سرع قائم‌مهر خواستیم در زندان حضور یابد و به سوالات ما پاسخ گوید که به چه گناهی ما را دستگیر کردند؟ آیا کسانی که مورد تهاجم قرار گرفته، کشته و زخمی داده‌اند باید زندانی و محاکمه شوند یا مهاجمین منجاوز حقایق دست مسلح؟ چرا حتی برای یک

در حین دستگیری و انتقال به کمینه یا مرکز سیاه شدیداً مورد ضرب و جرح قرار گرفتیم بطوریکه یک نفر به تأکید پزشک، بی‌نیاش شکسته و دیگری سر و چانه‌اش شدیداً آسیب دیده است.
پس از انتقال به زندان هنوز وارد نشده عده‌ای از ما از طرف پاسداری به نام کاکوئی به زیر مشت و لگد برده شدیم.

نمونه یکی از آنان را دستگیر کرده‌اند؛ و... اما وقتی حاکم سرع سز فر آوردند. اند جای پاسخ دادن به این سوالات و بدون اینکه حکمی مسی بر روشن بودن اتهام ما ارائه دهد گفت: باید بازجویی شوید و در پاسخ یکی از برادران که از عدل حضرت علی (ع) به عنوان ملاک قضاوت اسلامی و انقلابی یاد می‌کرد و صادقان را با سیه‌های اربحایی که ایشان ایجاد کردند سرخ می‌داد ضمن ردن یکی از برادران و بوهیس به جمع از آنجایی رود. وقت هنگام همان روز (سه‌شنبه) پاسداران مسفر در زندان وحشیانه به

- ۱- اکبر زین
- ۲- میر احمد حسین کزرف
- ۳- ...
- ۴- ...
- ۵- ...
- ۶- ...
- ۷- ...
- ۸- ...
- ۹- ...
- ۱۰- ...
- ۱۱- ...
- ۱۲- ...
- ۱۳- ...
- ۱۴- ...
- ۱۵- ...

فرزندان فهبران خلق و سنساران اسلام انقلابی را اینجس وحشیانه شکنجه می‌کند؟! اسان با اعمال جرم آور سنها به اسلام و حبسیت آن در سطح جهانی صربه می‌رسند و بدون شک این اعمال بر ضد روح اسلام و قانون است.

از مقام دادستانی کل کشور و ریاست جمهوری می‌خواهیم که اصول مصرح در قانون اساسی را اجرا کرده و نگذارند تا این حد مطلق و حقوق مسروح مردم با ریحی اس مدعیان دروغین اسلام فرار کرد و برای اسان ادعای خود مقاصی قوری بر شک قانونی کرده‌ام که ظنی است ساوردن بر شک. دلیل صدق گفتار و ادعای ما است در صص برای مشاهده‌ی آثار این شکنجه‌ها و رسیدگی به وضع ما از مقام دادستانی کل کشور و ریاست جمهوری می‌خواهیم هرجه روز به ساسده‌ای را به زندان ساری اعزام نمایند و در پایان شعی ما علمه این شکنجه‌گران که ما اسم در اس نامه از آنها یاد کرده‌ام اعلام جرم کرده و جواسار هرجه رود بر آزادی خود همسم.

زندانیان هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران در زندان ساری
روزبوت: دهم ریاست جمهوری
و روزنامه انقلاب اسلامی
تقدیر رفقه‌ی ۱/۷/۵۹

- ۱- ...
- ۲- ...
- ۳- ...
- ۴- ...
- ۵- ...
- ۶- ...
- ۷- ...
- ۸- ...
- ۹- ...
- ۱۰- ...
- ۱۱- ...
- ۱۲- ...
- ۱۳- ...
- ۱۴- ...
- ۱۵- ...

گزارشات مستند در مورد شکنجه

۱۰۳ روز بیلتکلیف در زندان

در تاریخ ۲۵ تیرماه ۵۹ برادری به نام علی اکبر برنجی محرم!! تروس سرباز مجاهدین توسط مأموران کمینده مرکزی سربز در خیابان عباسی اس میگردید دستگیر می شود. ۴۰ روز را با حمل انواع واناسام ضرب و حرج و شکنجه در کمینده می گذراند بطوریکه با مبدیها از کوس و بینی این برادر خون و حرک خارج می شده، بعد از آن جویبل باصطلاح دادگاه انقلاب

دادنه می شود. بدون حضور حکم او را بدستی در زندان محرد یکمیدارد و سرانجام بدون هیچگونه مجوز قانونی و بیلتکلیف در تاریخ ۵/آبان/۵۹ یعنی بعد از ۱۰۳ روز از زندان آزاد می شود. با نقل مستندی از اعلام محرم این برادر از دادگاه انقلاب اسلامی سربز که به کمسیون اصل ۹۰ مجلس سوسد از آنجه که در این ۱۰۳ روز بر سر آمده با حصر می نویسم:

در تاریخ ۲۵ تیرماه ۵۹ بعلت فروش کتابهای سازمان مجاهدین خلق توسط پاسداران شورای مرکزی کمیندهای تخریب بخور غیرقانونی در خیابان عباسی شهرستان تهریز دستگیر و ابتدائاً مدت ۴ روز در محل مرکزی کمیندها که همرا با شکنجه و ضرب و شتم بود زندانی بودم در آنجا حتی با رجوی شورا در هنگام بازجویی مرا شکنج می زد. بعد از ۳ روز مراد دادگاه انقلاب اسلامی تهریز منتقل گردید. در همان لحظات اول ورود توسط افراد مستقر در دادگاه مورد محض و ستم و تاسراکونی قرار گرفتم. از دماغم چرکه و تا مدتی از گوشهایم چرک و خون می آمد. در اثر رطوبت زندان مبتلا به کمبود سدیم که الان هم بعد از مدت ۱۰۳ روز عارضه اش در خورد کوش و کمرم باقی مانده است. حتی مرا تهدید به قتل می کردند. مبتلا بگی می گذف بعد از این شما را زندان جواحیم آورد بلکه شما را به جادو اهر برده و در آنجا جواحیم گفت تا برای دیگران عبرت باشد.

بعد از ضرب و شتم ما را به زندان بردند و به سلول محدود انداختند. مدت ۶ روز در آن بند بودیم. در این بند زندانیان هوادار سازمان مجاهدین خلق را که در اثر شکنجه مریض شده بودند حتی به بهداری زندان هم نمی بردند برای مثال رئیس زندان گفت: اگر اینها (هواداران مجاهدین خلق) در اینجا خواستند بپیرند هم به بهداری سربند.

سپس مرا به بند محکومین بردند و این در حالی بود که هنوز بیلتکلیف بودم. چندین بار به رئیس دادگاه نامه نوشتیم و اعتراض کردیم که ترتیب اثری داده شد و چندین بار هم به مرکز نامه نوشتیم ولی همدی نامه ها را سوراخ کردند. خلاصه بعد از مدت ۱۰۳ روز زندانی بدون هیچگونه مجوز قانونی و در عین حال بیلتکلیف در تاریخ ۵/آبان/۵۹ از زندان آزاد شدم.

در حاتم ۱۰ این جریان است سوالی برای من ایجاد کرده است که آیا روند این اعمال سیاسی و غیرقانونی در نهایتش تبدیل به شکنجه گاههای رژیم موحوار پهلوی نمی شود؟

آیا در این موقعیت که رژیم دیکتاتوری بعث عراق کشور ما را مورد هجوم قرار داده و امیرالایم آمریکا درصدد سبره برداری از این جنگ است این اعمال غیرانسانی حیانت به اسلام و انقلاب نیست اگر اینطور نیست به شایب من رسیدگی فرمائید.

با تشکر علی اکبر برنجی
۱۳/آبان/۵۹

رونوشت به: دفتر ریاست جمهوری
شورای عالی قضائی
مطبوعات

وابسگرایان در بحیوحه ی جنگ هم از ضدیت و ضرب و شتم مجاهدین دست برنمی دارند

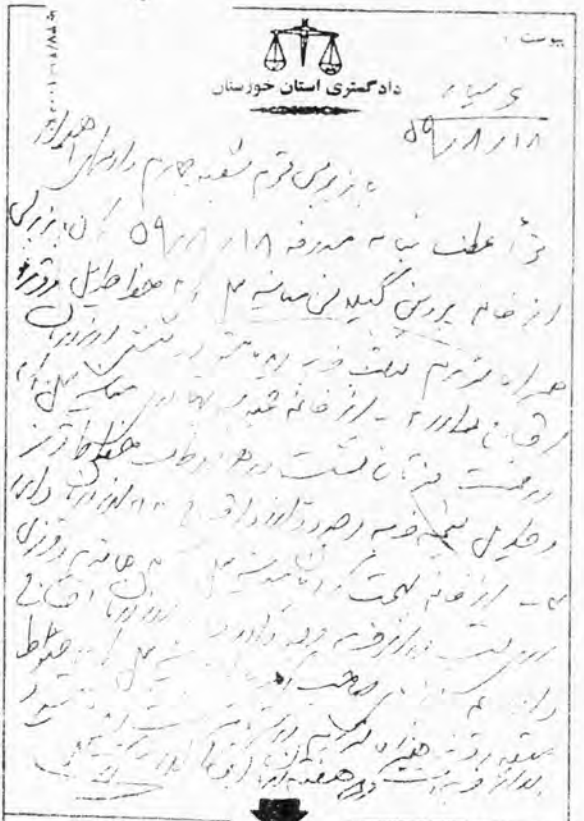
به دنبال بهاجم نظامی عراق اعضا و هواداران مجاهدین خلق بمنظور دفاع از مردم و سپین علاوه بر اعلام آمادگی برای اعزام به جبهه، در ساطق حتی به فعالنهای اندادی و همچنین سنگین عاوسی های کوباکون اقدام کردند. محمله در دربانگاه حنیف براد اهورا به فعالیت های برتکی و امدادی پرداختند.

در تاریخ ۱۳ و ۱۳ مهرماه این دربانگاه برای چندمین بار مورد بهاجم افراد مسلح کمینده مسجد امام حسن واقع می گردد ۴ نفر از هواداران به نامهای صاحب اکبریان، بروین کلاسی بهجت کردان و حیویه بهادری که در همین روز به دربانگاه برارجد می کنند به وسیله

افراد مسلح کمینده مذکور دستگیر می شوند. آنها را به مسجد برده و صن ضرب و شتم همدی آنان، برادر صاحب اکبریان را به مدت ۱۴ ساعت با جسم سید در نوالت مسجد حسن می کنند و سپس به مرکز بسج سیاه می برند.

بعد از دو روز بازداشت و ۳۰ ضربه سلاق که علاوه بر سب و لکد و به قنداقهای قلبی بوده است در نارکی سب این برادر و خواهران را آزاد می کنند در حالی که آثار سلاق بر بدن تمامی آنها باقی مانده بود.

در ربر کواهی پزشکی قانونی سسی بر طول درمان وجود آثار سلاق آورده می شود.



بازبرس محترم شعبه چهارم دادسرای اهورا محترما عطف به نامدی مورخ ۵۹/۸/۱۸ آن بازبرسی از خانم پروین گیلانی معاینه به عمل آمد خط طولی و قرمز همراه با تورم بعلت ضربه دیده می شود و شش روز درمان احتیاج دارد.

۲- از خانم محبوبه بهادری معاینه به عمل آمد. در سمت فوقانی پشت در هر دو طرف خطوط قرمز طولی شیده صریه وجود دارد و احتیاج به ده روز درمان دارد.

۳- از خانم بهجت کردیان معاینه به عمل آمد هماتوم و قرمزی روی پشت در اثر ضربه وجود دارد و ده روز درمان احتیاج دارد.

۴- از آقای صاحب اکبریان معاینه به عمل آمد خطوط ممتد و قرمز همراه تورم در سرتاسر پشت دیده می شود. در اثر ضربه است و دو هفته درمان احتیاج دارد.

هشدار به تمامی مسئولین کشور

در شماره ی گذشته گفتیم و اکنون نیز تکرار می کنیم که اعتراض ما اساسا نه به خاطر خود بل به خاطر پاسداری از ارزشهایی است که خون هزاران شهید مجروح و اسیر و شغدی آن است. ارزشهایی از مکتب که مورد تهاجم واپسگرایان گزار گرفته است. اگر ما اعتراض می کنیم به خاطر جلوگیری از بازگست روشهای سرکوب شاهانه است

گفتیم و باز هم می گوئیم راههای طولانی همیشه با کام های کوچک شروع شده است و اکنون شاهدیم که کام های حضرات در مسیر احیا دوباره روشهای سرکوب چندان هم کوچک نیست.

بنابراین اگر امروز قوانین مملکتی و محمله قانون اساسی توسط خود تدوین کنندگان و سینه جاکانش ربر با گذاشته شود چه انتظاری از دیگران می توان داشت؟ و ضمنا حدتضمینی برای رعایت آن در آینده به وجود خواهد آمد؟ در یک کلام، به مسئولین مملکتی هشدار می دهیم:

هم اکنون که این که خیلی هم دیر شده ولی شاید نازهم بتوان "سرچشمه" می قانونی و تنوع مجدد شکنجه را با افشاکاری و موضع گیری فاطع گرفت ولی فردا، جو برسد نشاید گرفتن به !! و البته در آن صورت چنان حکومتی کمترس و سرروعیسی در پیشگاه خلق و انقلابیون نخواهد داشت. قاعبروا یا اولی الابصار (ادامد دارد)

- * بازجوی کمینده در هنگام بازجویی مرا گتکه می زد.
- * تا مدت ها از دماغ و گوشم چرک و خون بیرون می آمد.
- * در اثر رطوبت زندان به کمر درد مبتلا شده ام و هم اکنون بعد گذشت ۱۰۳ روز آثار شکنجه ها در مورد گوش و کمرم باقی مانده است.

اعتراض گسترده بر علیه حکم ساواک مآبانه احضار رهبران مجاهدین

اعتراض

کمیته دفاع برای آزادی سعادت

دادستان کل مرکز، آقای لاجوردی

ما وکلای اضاء کننده زیر مشاهده می کنیم که محاکمه آقای سعادت علیرغم همه اعتراضات ما و بسیاری از شخصیت های دیگر در جهت به تعویق افتادن برگزار شد و تاریخ شروع آن برخلاف قولهای رسمی در زمانی اعلام گردید که ناظران قضائی بین المللی امکان شرکت در آن را پیدا نکردند. ما با آوری می کنیم که محاکمه در شرایط قضائی غیر قابل قبولی بدون شرکت وکیل متهم انجام شده و بدون وجود هیچ گونه مدرک صریح دال بر جاسوسی، آقای سعادت به ۱۰ سال زندان محکوم گشت. ما تاکید می کنیم که شرایط این دادگاه بطور ناگوار یادآورنده دادگاههای رژیم شاه می باشد که مجاهدین و مخالفین با رژیم دیکتاتوری در آنجا به محاکمه کشیده می شدند.

در واقع می دانیم که دادگاه آقای سعادت به همراه دستگیری گروهی از مجاهدین و حکم دستگیری آقایان خیابانی رضائی و رفیع براد همراه بوده و از طرف دیگر کيفرخواست تنظیم شده بر علیه آقای سعادت این تصور را بوجود می آورد که سازمانی که وی عضو آن است به محاکمه کشیده شده است. ما معتقدیم که حکم صادره مخالف نص صریح قانون اساسی است که محاکمه اشخاص را به خاطر عقایدشان ممنوع کرده است. در نتیجه ما خواستار آزادی آقای سعادت می باشیم چرا که آزادی وی کمک خواهد کرد تا جلوی انحراف کشور به طرف سرکوب نیروهای انقلابی را بگیرد. انحرافی که اصول انقلاب را تهدید می کند.

کمیته وکلای برای دفاع از سعادت
وکلای: بدجان، مینیار، بوتن ولوکلرک
پاریس/۲۰ نوامبر/۱۹۸۰
روئوسه: آقای بنی صدر رئیس جمهور
آقای رستگاری رئیس مجلس

تلگراف انجمن دانشجویان مسلمان ایتالیا

شکرام رم - ۲۰ نوامبر ۱۹۸۰
فارت الجزائر - خیابان
سازران فارت جمهوری
دموکراتیک خلق الجزایر،
تهران - ایران.
برادر عبدالکریم فرائی سفیر
جمهوری دموکراتیک خلق
الجزایر
از سلاهای مردمی شما
جهت برگزاری دادگاه
عادله برای مجاهد اسیر
مخدرضا سعادت نهایت
سکر را داریم و در انتظار
کوششهای انقلابی شما در
مورد آزادی برادر مجاهدین
و محکوم کردن حکم
ضدانقلابی دادگاه سوسی بر
دستگیری اعضاء کابینه سرکری
سازمان مجاهدین خلق
می باشیم

انجمن دانشجویان مسلمان ایتالیا
روخوشه: سفارت الجزایر
در رم
وزارت امور
خارجة الجزایر در الجزیره

گزارشی افشاگرانه از مجله آفریقا-آسیا در رابطه با محکومیت سعادت "شمشیر و ترازو"

بقیه از صفحه ۷

حالب اینجاست که یک کمیته ای
اسلامی بد ریاست خود کاشانی
رضا سعادت را بد جرم جاسوسی
دستگیر و پس از شکنجه زندانی
می کند و کلیه عملیات به طور
مخفی انجام می شود. مدارک
غیر قابل انکار دانا رضا سعادت
محاکمه می شود بدون اینکه
وکیلش لایحجی سواد از او
حیات کند. کمیته ای اسلامی
دود شد و بد هوا رفت و قطعات
سز از مردان آیت الله بهیسی
که بد مناهای سون بخشی در
جهت خرابکاری بر علیه انقلاب
و جمله بد نیروهای فعال عمل
می کنند، می باشد. هدف از
محاکمه سعادت جمله بد
سازمان مجاهدین است.

روزنامه های این سازمان مسوع
اعلام شده و بد دفاتر حمله
کرده اند و حدس از هواداران
در طی حمله فاسیسی کشه
شده اند. بد موازات آن حزب
جمهوری اسلامی همه جا دستور
را برقرار می کند با کلیه
نیروهای انورسین را نابود
سازد و حتی روزنامه ای رئیس
جمهوری صخوب، می صدر،
انقلاب اسلامی را تهدید کند
سوعیت می کند. قرار از
سعادت ای بدی انقلاب مردمی
ایران است که در خط می باشد
خصوصا که با استفاده از برکانه
از مستندی کروگانهای دیلمات
بسی جاسوسان ایرانی و زیر
لوا صدانیرالیسی به نظر
می رسد که مردان بهیسی در
جهت برقراری رابطه با آمریکا
عمل می کنند. آنها در واقع
می دانند که برای استفاده از
حیات آمریکا باید سریع عمل
کنند.

ده سال زندان، این حکمی
است که بر علیه یکی از رهبران
مجاهدین خلق (مسلمانان
مشرق) سعادت، سهم بد
جاسوسی بد نفع شروی صادر
شده. چرا که از طرف سازمان
ماموریت یافته بود تا یک
روزنامه نگار روسی تماس بگیرد
و از وی در مورد ایرانیایی که
وابسته به ساواک می باشد
اطلاعاتی کسب کند. مجاهدین
می خواستند خودشان در این
مورد تحقیق کنند، و سعادت
موفق شد ثابت کند که حصی
بد اسم ماشاء الله کاشانی که
مذهبی است و بد حزب جمهوری
اسلامی آیت الله بهیسی نزدیک
است برای بنا فعالیت های
بخصوصی انجام می داده
مدارک غیر قابل انکار بد
مدرک سری که در سفارت آمریکا
پیدا شده، گواه این مطلب است.

تلگراف فدراسیون متحد کارگران شیمی به وزارت دادگستری

رم-۱۵/ نوامبر/۱۹۸۰
وزارت دادگستری- خیابان باب
همایون، تهران- ایران
از محاکمه رضا سعادت
عضر مجاهدین خلق مطلع شدیم
نگرانی عمیق خود را از دستگیری
غیرقانونی و برپا کردن محاکمه
بیان می کنیم. ما خواهان یک
محاکمه قانونی با تمام
ضمانت ها در دفاع و حمایت از
آزادی های حصی و سازمان های
سیاسی که در انقلاب ایران
سهم بودند، هستیم.
فدراسیون متحد کارگران شیمی

تلگراف سردبیر مجله جیورنالیزت - لندن به وزیر امور خارجه الجزایر

بکران اتفاقات ایران، تصدی سعادت سعید کمیته
مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران، در خارج این که شما
با دولت ایران صحبت کنید تا سارهای سیاسی بر سازمان
مجاهدین خلق ایران را خامه دهد.
باب رایب - دبیر دوم اتحادیه اشلاف کارگران مهندسی
وان - بول - سردبیر مجله جیورنالیزت
لندن - انگلستان
۲۱/ نوامبر/۱۹۸۰

ارتجاعی ترین روزنامه نیز حکم به برائت سعادت داد

جزئی مربوط می شود جز حرم
مسجد از طرف دادگاه. و در
یک کلام بی خواهند بگویند
دست از حقیقت گویی برداشته
و با حزب بیعت! کنید تا اسیر
سط را آزاد کنیم! گویا آقایان
نمی دانند که ما اهل معامد بر
سر اسلام و انقلاب نیستیم.
اگر بودیم در سالهای سیاه
آریامهری که غافیت جویی حکم
می کرد (همانطور که خود حضرات
بهر از هرکس بدان واقفند)
سکوت پیشه کنیم، خواب
راحت آقایان را آشفته نمی کردیم
آخرین کلام اینکه سعادت و
دیگر برادران مجاهدش که در
دوران شاه همانند دستیاران
امروز شما اظهار ندامت و
بقید در صفحه ۱۵

دادگاه عدل حزبی خود فائحه
بخوانند. و چنین است که
می بینیم علیرغم تمامی ادعاهای
با اصطلاح مکتبی "اسلامی" و
"نه شرقی نه غربی" سرمداران
دادگاه عدل حزبی، باز هم
واقعیت جریان سعادت حتی از
لابلای حرفهای مدافعین این
دادگاه تراوش می کند. البته
چه بسا آقایان از دستشان در
رفتند باشد، که با دست خود
بیش از پیش آبروی خود را
می برند. گو اینکه افتضاح
کارهایشان چنان بالا آمده که
آبرو و اعتباری نمانده که با این
چیزها از بین برود!

در جریان دستگیری و
محاکمه سعادت تلویحا بد ما
گفته بودند که سعادت گروگان
است اگر بقیه مسائل حل شود،
یعنی سرتسلیم بر آستان قدرت
مداران و خلاصه حزب حاکم
فرود آوری جریان سعادت
اصلا مسالدهای نیست. این مساله
را یکی از سران حزب و در حضور
پدر طالقانی مطرح کرده بود.
گو اینکه برای خود ما این مساله
دقیقا روشن بود و بد این لحاظ
اساسا دستگیری و محاکمه او
را یک تصفیه حساب سیاسی و
زمینه سازی سرکوب مجاهدین
تلقی می کردیم و دادگاه شرع
و... را پوش این مبارزه طلبی
می دانستیم ولی فکر نمی کردیم
که آنها خود چنین بی پروا بر

گزارشی کوتاه از تهاجم مسلحانه به دفتر کارکنان مسلمان در وضعیت قرمز

تهران در شب دوازدهم آذرماه مانند شبهای دیگر همزمان با فرارسیدن شب در خاموشی و تاریکی فرو رفت. مفارها و خیابانها یکی پس از دیگری تعطیل می شدند و جمعیت کمی در رفت و آمد بود. ساکنین خانهها نیز سعی داشتند کوچکترین نوری از خانههایشان دیده نشود. در این شب بعد از مدت ها علاوه بر خاموشی همیشگی، وضعیت قرمز اعلام شده بود. و این مسئله بر احتیاط همگان افزوده بود. اما درست در لحظه ای که نظر همگان متوجهی جنگنده های عراق بود و خاطره ی مبارزان جندی پیش سجاوزان عراقی را در یادها زنده می کرد "دفتر جامعه کارکنان مسلمان" واقع در خیابان مبارزان مورد تهاجم مسلحانه ی عده ای قرار می گیرد. در ابتدا تصور نمی رفت که در چنین شرایطی هیچیک از نهادهای رسمی و قانونی دست به چنین کاری زده باشند. ۵ نفر مهاجم مسلح از دیوارهای خانه ای که دفتر کارکنان مسلمان در آنجا قرار دارد بالا آمده و با سیوهای که انگشت تبحر "جیمزباند" های وطنی و غیروطنی را به گزیدن وامی داشت بیکاره به وسط اتاقها پریدند. و در حالیکه مرتب تیراندازی هوایی می کردند از ساکنین خانه خواستند که دستهایشان را بالا برده و تسلیم شوند. ساکنین خانه که در آغاز هویت مهاجمین را نمی شناختند برای چند لحظه ای حدود چند ماه پیش بود که در جریان حمله ی جماعتداران و عناصر مسلح به رهبری فردی به نام ظاهر عصائی به دفتر انجمن جوانان مسلمان اردبیل مجاهد خلق احد عزیز می به شهادت رسید و عده ی ریاضی از خواهران و برادران هم چنین چند تن از مادران رحیمی و مجروح شدند و نیز یکی از برادران کور شد.

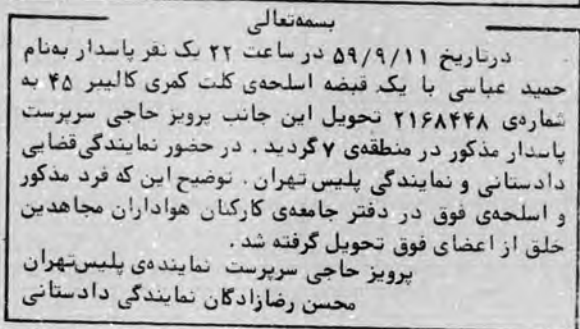
البته طبق معمول مقامات مسئول و به ویژه دادستانی انقلاب! به جای تعقیب حمله کنندگان و عناصر جماعتداری اقدام به دستگیری اعضای انجمن نمودند و منجمله عده ای از خواهران و برادران را علی رغم اینکه با بدبهای زخمی در بیمارستان بسر می بردند با

غافلگیر می شوند مهاجمین نیز در زیر رگبارهای هوایی خود دست به بازرسی اطاقها و وسایل موجود در دفتر می زنند و به واقع نوع جدیدی از انواع بازرسی های معموله! را ابداع می کنند. بازرسی بدون حکم، بدون مراحمه ی رسمی، در همان وضعیت قرمز وزیر رگبار و با خشونت و ضرب و شتم، این است نوع جدیدی از بازرسی! که مهاجمین مسلح بارنگران اصلی آن بودند. در همین حال در خارج از ساختمان تیرصدای تلکلیک گلوله لحظه ای قطع نمی شد و محیطی سراسر از وحشت و رعب برای اهالی منطقه بوجود آمده بود. برادران ساکن در دفتر وقتی وضع را بدین منوال می بینند با فریاد الله اکبر به مهاجمین اعتراض کرده و به مقاومت می پردازند. مهاجمین که گویا انتظار مقاومتی نداشتند بلافاصله در حالیکه تیراندازی می کردند شروع به فرار می کنند.

در این میان یکی از برادران نیز زخمی شده و یکی از مهاجمین که نتوانسته بود به موقع فرار کند، در حالیکه خود گاه گاه سلیک می کرد، دستگیر می گردد و معلوم می شود که نام وی حمید عباسی از پاسداران منطقه ی ۷ می باشد. پس از مدت کوتاهی تمامی معظفان محاصره گروه تازه ای از پاسداران وابسته به کمیته فراری می گرد. برادران در ضمن تماس با مقامات مختلف و مسئول خواستار

رسیدگی فوری به مسئله می شوند و با سرپرست پاسداران مهاجم منطقه ی ۷ آقای پرویز حاجی و آقای سید محسن رضازادگان که سمت معاونت قضائی دادستان را به عهده داشت به مذاکره می پردازند و قرار می شود که طی صورت جلسه ای پاسدار مهاجم مسلح را تحویل آنان بدهند.

صفحه ی اول "مجاهد" چاپ کنید. بالاخره پس از حدود دو ساعت مذاکره پاسدار مزبور به همراه کلت کالیبر ۴۵ خود به شماره ی ۲۱۶۸۴۴۸ تحویل آقای پرویز حاجی شده و تکلیفی نیز ضمیمه می گردد. آقای رضازادگان - معاون قضائی دادستان - که در اولین



در تاریخ ۵۹/۹/۱۱ در ساعت ۲۲ یک نفر پاسدار به نام حمید عباسی با یک قبضه اسلحه ی کلت کمری کالیبر ۴۵ به شماره ی ۲۱۶۸۴۴۸ تحویل این جانب پرویز حاجی سرپرست پاسدار مذکور در منطقه ی ۷ گردید. در حضور نمایندگی قضائی دادستانی و نمایندگی پلیس تهران. توضیح این که فرد مذکور و اسلحه ی فوق در دفتر جامعه ی کارکنان هواداران مجاهدین خلق از اعضای فوق تحویل گرفته شد.

پرویز حاجی سرپرست نمایندگی پلیس تهران محسن رضازادگان نمایندگی دادستانی

برخورد گویا از ابعاد قضیه اطلاع نداشتند از برادر محروح ما، پاسدار مزبور و آثار گلوله در ساختمان بازدید کرده و به اتفاق آقای محمدرضا میرزائی نماینده ی شهرداری و نماینده ی کمیته ی منطقه ی ۷ آقای پرویز

اما آنان از امضاء کردن صورت جلسه به بهانه ی اینکه در آن پاسدار مهاجم "با عنوان "مهاجم مسلح" نامبرده شده خودداری کرده و اظهار می دارند که شما می خواهید از ما مدرک بگیرید تا فردا در

مهمین هیچگونه ترتیب اثری نداده است... "انجمن جوانان مسلمان اردبیل" در رابطه با محاکمه ی غیرقانونی برادران خود اطلاعاتی صادر نموده است، که در آن بعد از ارائه ی گزارشی که مضمون آن در سطور فوق آمده است به این اقدام انحصارطلبانه و ارتجاعی که از طرف عناصر به اصطلاح اسلام بناء صورت گرفته، اعتراض نموده است در پایان این اطلاعیه چنین آمده است:

"با توجه به نقض صریح قانون اساسی چه در جریان حمله و چه زندان کردن و اکنون محاکمه کردن برادران فوق که بطور مکرر از طرف آقایان اسلام بناء صورت گرفته از تمامی

حاجی اقدام به حل قضیه می کنند. در این میان دو نکته بسیار مهم جلب توجه می کرد. اول حمایت همسایه ها و اهالی محل از برادران ما و دوم ممدای متوالی تیراندازی پاسداران که در تمام لحظات به گوش می رسید. اهالی محل که از این اقدام خودسرانه و غیرانسانی وحشت زده شده بودند مرتب به پاسداران اعتراض کرده و خواستار قطع خشونت و تیراندازی بودند. عده ای نیز به حمایت از برادران، برخاسته و علیه مهاجمین شعار می دادند. یکی از برادران اظهار می داشت "من در آن لحظه به واقع معنی حمایت مردمی را درک کردم و در حالیکه زیر رگبار بودیم دلم می خواست همانجا فرصی دست دهد و از همه ی اهالی و حمایت کنندگان تشکر کنم. هر چند که آنان نیازی به تشکر ما نداشته و ندارند" جالب اینکه اگر تاکنون نسبت به هویت مهاجمین اظهار بی اطلاعی می شد این بار موکداً اصرار می شود که مهاجمین پاسدار کمیته هستند و بنابراین نباید آنها را "مهاجم مسلح" نامید. و این خود نشانگر بستناری از مسائل است. در گذشته های نه چندان دور در موارد مشابه برادران و خواهرانی که مورد تعرض های این چنینی قرار می گرفتند همواره با این استدلال روبرو می شدند که مهاجمین را نمی شناسیم و حال با این استدلال روبرو هستیم که مهاجمین، پاسدار کمیته هستند و در هر دو صورت امیدی به تعقیب و مجازات این قبیل قانون شکنان نیست. جای سوال است که حضرات که برای کوچکترین اعتراضی اجرای "حد شرعی" را واجب می دانند و زیر این پوشش به شکنجه ی خواهران و برادران ما می پردازند چرا "حد شرعی" را در این موارد نادیده می گیرند مگر نه این است که به هم زدن نظم عمومی، و نقض قانون اساسی، فراموش کردن و زیر پا گذاشتن شرایط جنگی آن هم در وضعیت قرمز نیز جرم محسوب نمی شود و در "خورد تعزیر" است؟ "آیا مرگ خوبست برای همسایه؟ یا همه ی اینها سرپوشی است برای برخورد های فاشیستی و واپسگرایانه با نیروهای انقلابی؟! "

نامه ۲۵ نفر از ...

۳۵ تن از شخصیت‌های مبارز ایرانی، در رابطه با مسائل موجود و فضای حاکم بر جامعه نامه‌ی سرگشاده‌ای به آقای رئیس‌جمهوری نوشته‌اند که مهمترین بخش‌های آن را در زیر می‌خوانید:

بند نام خدا
جناب آقای سید ابوالحسن بنی‌صدر ریاست جمهوری اسلامی ایران ... در آن روزها که هنوز حکومت اسلامی تشکیل نیافته و ملت ما گرفتار رژیم برقساوت و سفاک پهلوی بود، رویای تحقق حکومت عدل اسلامی که در آن به حکم من قتل نفس بغير نفس او فساد فی الارض فکنا قتل الناس جميعا، کشتن یک انسان بی‌گناه برابر کشتار همی انسان‌ها فراز داده شده و حراست از حیات و کرامت انسانی وعده داده می‌شد، حد شوری در دل‌ها بر می‌انگیخت با سخن علی (ع) ساسب خیر ر بوده شدن خلخال از پای یک زن یهودی در گوشه‌ای از فلرو او که گفته بود: "اگر مسلمانی از این غم بمیرد جای دارد"، چه چشم‌انداز شورانگیزی از نظامی که به نام جمهوری اسلامی می‌رفت که برقرار شود، تصویر می‌کرد

و اکنون پس از نزدیک دو سال که از تحقق آن نظام موعود می‌گذرد، جقدر در آرد است که یکی از مسائل حاد جامعه‌ی ما فقدان منزلت و کرامت انسانی و امنیت قضائی و لگدمال شدن ابتدائی ترین ضوابط عدل و انصاف و حقوق فردی و اجتماعی باشد ...

نمونه‌هایی از قانون شکنی ویی عدالتی

۱-... اخیرا به حکم دادگاه شرع، سه تن از مخالفان سیاسی به دلیل پافشاری بر عقاید خود در آغاچاری و آبادان اعدام شده‌اند.

آیا اینست تلقی مسئولان قضائی کشور از عدالت علوی و شیوه‌ی برخورد با مخالفان سیاسی در یک نظام اسلامی، آیا وجود مدتها نمونه‌ی دیگر از اعدام‌های بی‌رویه و بی‌مجاز که به حکم قرآن هریک به مثابه کشتار تمامی انسان‌ها است، کافی نیست که مسئولان قضائی کشور و همی دست‌اندرکاران این جمهوری، به این جمله‌ی علی بیاندیشند، که "اگر مسلمانی از این غم‌ها بمیرد جای دارد؟"

۲- جنگ و کشتار در

را به درد آورد کم اهمیت تر است؟

۳- در بین جمهوری اسلامی کمتر مورد یادداشت و محکومیتی است که با داغ و درفش و شمشیر همراه نباشد. این وضع با هیچ یک از موازین حقوقی و انسانی و شرعی قابل توجیه نیست و به هر شکلی که باشد به شدت محکوم است.

۴- مگر مبارزه‌ی مردم با رژیم شاه از جمله به خاطر برانداختن همسر فجاج و ستم‌ها نبود؟

۵- گروهی از مادران صرفا به دلیل مزاحمه به زندان و اعسار با دستگیری فرزندان به زشت ترین صورت مصروف و دستگیر شده و مدت‌ها بلا تکلیف در زندان به سر می‌برند آیا دستگیری ده‌ها نفر از نیروهای داوطلب شرکت در جنبه‌ی مقاومت، به دلیل تعلق‌شان به گروه‌های سیاسی در شهر آبادان و رندانی کردستان و در معرض بمباران دشمن فرار دادستان پادشاه دفاع از موجودیت جمهوری اسلامی است؟ ...

دادگاه آقای سید محمد رضا سعادت بی‌غشم
اعتراض گسترده‌ی داخلی و بین‌المللی و در برابر چشم و توجه محافل جهانی و بدون دلیل قانع کننده‌ای، مشار- الیمرابه ده سال زندان محکوم کرد و با احضار و دستور توبیخ رهبری سازمان مجاهدین خلق، ماهیت واقعی محاکمه‌ی مذکور را که تسویه حساب حزب حاکم با یک گروه سیاسی بود، فاش کرد.

تسویه حساب حزب حاکم با مجاهدین از طریق محاکمه سعادت و احضار کادر مرکزی سازمان

۶- کسر کسی است که امروز از نقض صریح قانون اساسی و حقوق انسانی توسط دادگاه‌های شرع آگاهی نداشته باشد. این دادگاه‌ها با بی‌اعتنائی کامل به تمامی ضوابط حقوقی به صورتی خودکامه، سرمایه‌ی آبرو و حیثیت این جمهوری را به بازی گرفته‌اند. دادگاه آقای سید محمد رضا سعادت به علیرغم اعتراضات گسترده‌ی داخلی و بین‌المللی و در برابر چشم و توجه‌ی محافل جهانی و بدون دلیل قانع‌کننده‌ای، مشارالیه را به ده سال زندان محکوم کرد و با احضار و دستور

و ما امروز شاهد خشن ترین نوع تصفیه در این مراکز علم و دین هستیم ...

۶- در مورد محدودیت آزادی بیان و قلم و دانش و فرهنگ چندان نیازی به پرداختن به جزئیات نیست

حاکمیت انحصاری یک جریان ویرانگر و اسفانگیز بر رادیو و تلویزیون را که بودجه عظیم و امواج رادیویی و تلویزیونی سراسر کشور را نیول منافع محدود و خیال‌آفانده‌ی خویش کرده‌است، خود بیش از ما آگاهید:

دانش و اندیشه و هنر در تاریخ در هیچ زمانی تا این حد به زکود و کساد سفاده نبوده و هیچ نظامی تا کون مراکز علمی و دانشگاه‌ها را برای چنین مدت طولانی به تعطیل نگذاشته بود ...

حمله‌ها و هجوم‌های بی‌پایی به آزادی بیان و قلم، وضع مطبوعات کشور را به انحطاطی وحشتناک سقوط داده است. به زبان مطبوعات متعلق به جریان‌های سیاسی حاکم زبان انقلاب است و نه محتوای آنها و عهد نیست که غالب قلمزنان دوران نخستین انقلاب، تا خاموشی کسانده شده‌اند. آنجا که اوایل روزنامه‌های که در جمهوری اسلامی اصیاز گرفت، به دلیل مخالفت حزب حاکم ممنوع‌الانتشار می‌شود، این سرنوشته مطبوعات ... این رکن عمده‌ی دموکراسی به دست جماداران حرفه‌ای می‌افتد.

آیا آموزنده نیست که در طول یکسال و نیم گذشته هرچه نبراز روزنامه‌های بالا رفته خطر تعطیل یا ممنوعیت انتشار آن سیزافزایش یافته است ...

ظاهر احمدزاده، فرشته‌اخلاقی محمد رضا اسلاهی، نصرالله اسماعیل زاده، محمد انبال، قلامحسین باقرزاده، زندان جاج حمزه، سیدحسین حسینی، معصومه حکیمی، بهرام حسینی، خلیل الله رضائی، علی‌اصغر رضایی، محمد شاندژی، بزرگان سرینت‌رضوی، مهدی طارمی، همسرآیت‌الله طالقانی احمدعلی ربیعی، مستود کریم‌نیا رویا کهریائی، جلال گنجی‌های، محمد ملکی، مهدی ممکن، مرضیه مهربان شهبانی، ابودرورداسی، فتحیه یزدی. رونوشت این نامه برای کلیدی نمایندگان مجلس ارسال شده‌است

نویف رهبری سازمان مجاهدین خلق، ماهیت واقعی محاکمه‌ی مذکور را که تسویه حساب حزب حاکم با یک گروه سیاسی بود

۷- اما اگر وضع دادگاه شرع نسبت به آقای سید محمد رضا سعادت که تا آن حد مورد توجه و حساسیت جهان بود، چنین باشد، می‌توان کیفیت محاکمه‌ی هزاران متهم مظلوم و گمنام بی‌پناه و بی‌کس را که در گوشه و کنار کشور، روزانه به پای میز محاکمه کشیده می‌شوند حدس زد. آیا این است مفهوم عدالت اسلامی و عدل علی که هنوز متولیان دین به مردم وعده می‌دهند.

۸- احادی و رسوخگیری قضات شرع و حیف و میل بیت‌المال عمومی در نقاط مختلف کشور آن چنان بالا گرفته است که به تدریج از حالت استثنای محدود خارج می‌شود ...

۹- امروز ما با سرافتندگی تمام می‌بینیم که تقریبا هیچ دفتر سیاسی سازمان با گروهی جز حزب حاکم و گروه‌های وابسته بدان نیست که از این کار گروه‌های اخلاک‌گرو آشوب طلب و تحت حمایت مستقیم و با

غیرمستقیم نیروهای مسلح کیمته‌ها در امان مانده باشد علاوه بر این امروز دیگر سخنرانی‌های مذهبی کسانی که به حزب حاکم منسوب نیستند، حتی اگر عمری به باکی و نفوی و مبارزه هم گذرانده باشند از حملات سازمان بافیدی اوپاش اجبر شده، مضمون نیستند. آخرین نمونه‌ی آن خطبه‌ی وحشانه به سخنرانی استاد محمدتقی شریعتی این پیر پاکدامن علم و دین که بسیاری از دولسردان کنونی به ساگردی‌اش افتخار می‌کردند در روز عاشورای حسینی در مشهد بود ...

۱۰- جریان سازمان یافتند تصفیه‌ی عقیدتی بر مبنای نفتیش عقاید که از دینی پیش‌مامی سازمان‌ها و ادارات دولتی و بخصوص آموزش و پرورش رای رحمانی فرا گرفته است و جامعه را از خدمت بهترین و صادق‌ترین نیروهای انسانی در این شرایط حساس بازسازی کشور محروم کرده‌است، اکنون به حوزه‌ی علمیه که برخورد آزاد عقاید و آراء سنت هزارساله‌ی آن بوده است نیز تعمیم یافته

نگاهی به اخبار و رویدادها

زخم زبان مرتجعین، مصیبتی مضاعف برای آوارگان جنگ

بقیه از صفحه ۱۶

از سخنان خود از وزارت کشور سوال کرد که در رابطه با آوارگان جنگی تا حال چه کارهایی انجام شده است.

* جمهوری اسلامی (۹/۱۲): از نامه‌ی یک جنگ‌زده: ... این مردم مصیبت‌زده و آواره چون اسیران کوفه و شام در کوجه و بازار سرگردان که مناسفانه به واسطه بی‌مهری بعضی از هموطنان و بی‌نفاوتی بعضی از اولیا، مورد طعن و سراسرگویی قرار گرفته و قلب حریخه‌دار آنها را بیشتر گداخته‌اند. ... اکثراً بی‌سرپناه یا عائله و فرزندان خردسال خود در کنار خیابانها، گوشه مساجد بدون کوچکترین لوازم زندگی مستقر رحمت، حق و عنایات امام امت و عواطف هموطنان می‌باشند ... بانوان و محتاجان به کمک‌دهد حاشه مخصوصاً در رابطه با مسالهی مسکن که اهادارین سرمای سردرستان بصورت وحشتناکی درآمده است.

* کیهان (۹/۱۲): هم‌اکنون بروجرود میهماندار نزدیک به ۸۵ هزار آواره جنگ است ... به خاطر آماده بودن بروجرود برای پذیرایی اسبهمه مسافر، در بعضی مدارس غیرمعمول شوی سرد، اغلب بروی دو مرموک و گاه حتی بر روی ورقه‌های کارتن سسته‌اند ... گاه حتی این آوارگان که در مدارس بروجرود به خاطر نبود دیگر امکانات اسکان یا مهاد جواز کوچکی سیرای گرم کردن خود ندارند.

۲- بازگو کردن حقانیت مواضع ما در جنگ فطی‌البینه همراه با بیان صادقانه‌ی علل جنگ!

۳- تشکیل هرچه سریع‌تر شوراهای واقعی (ونه فرمانی) صنفی و محلی در شهر و روستا، کارخانه، مدرسه و ... در همد جا، که البته قبل از آن باید وحدت ضد امپریالیستی همدی افشار خلقی تأمین شده و به هرگونه نفرت افکنی و انحصار-طلبی و ... خاتمه داده شود.

۴- بهره‌گیری از انرژی، ابتکار و یتانسیل انقلابی این شوراها برای حل مسائل و مشکلات ناشی از جنگ و سپردن امور حیره‌بندی و قیمت‌گذاری و توزیع عادلانه‌ی کالا به دست این شوراها که ملازم قطع دست‌واستطه‌ها و محکمان خواهد بود.

با اجرای مراتب فوق آیا انتظار حداکثر کشش و حد اکثر ایثار و فداکاری از این خلق فهردمان توفیقی بیجا خواهد بود؟

آوارگان جنگ هستند. البته با استنکار را از ابتدا متعول می‌شدند، حتی پس از شروع جنگ به دیواره عدل از جنگ و در این وضعیت که ریمان زندگی می‌بود و مردم جنگ‌زده در سحی و عبرت قرار گرفته‌اند باید انتظار کسم و امیدوار باشه که هلال‌احمر و دولت عفت‌ماندگی در این رمنه را حیران کند و از درد و رنج جنگ‌زدگان نگاهد.

* جمهوری اسلامی (۸/۱۹): حامده‌ی خرمشهر در اساط تا آوارگان جنگ: مسئولین مرت می‌کنند مردم باید به شهرها برگردند، عده‌ای در شهرها با بلندگو می‌گویند که این مردم از شهر خود فرار کرده‌اند و باید برگردند. و عده‌ای که خلوص خدا هم دارند، این امر را باور می‌کنند و مردم مهاجر را مورد هجوم قرار می‌دهند. اما نمای از سیراز به دست من رسیده که آدرس بیادری را داده است. مردم عصر نیست، بلکه مسئولین مقصود وی در بخش دیگری

بقیه از صفحه ۴

اد تشریح کامل وضعیت فعلی کشور به لحاظ اقتصادی، نظامی و ...

سبوه‌ی انقلابی
حل مسائل و مقابله با کمبودها چگونه است؟

دلایل متعدد و آن این که در حاشی که برای امور خیلی ضروری بر و جناس تر هیچ پیش‌بینی و برنامه‌ریزی قبلی وجود ندارد پس‌بینی کمبود سوخت و تأمین آن برای مدارس هم طوعاً وجود ندارد. و وقتی که در آموزش و پرورش در وقت بی‌آسکاری می‌گوید دیگر چگونه مردم بقیه‌ی اندامهای دولت و از جمله کارنامه‌ی شورای انقلاب را که از جانب همین جناب ارائه شد باور می‌کنند؟

به آقایان مردم را ایله تصور نکنید و چنین بی‌محابا به دور گفتن و انکار واقعیت - هائی که برای همه ملموس است نپردازید، عاقبت ندارد.

خونک آنها کافی نیست. باثباتی که به هنگام شکنی آنها در سیراز و اصفهان دیده آمد. به خاطر اشاعه‌ی تبلیغاتی بود که از ناحیه صد اغلاب روح خدا کرده بود. صد اغلاب صالح کرده بود که آنها فراریان از جنگ هستند و نمی‌توانی مورد تدبیری قرار گیرد. می‌توانست با اقداماتی که به عمل آمد، جو عوض شد و مهاجران در صاحت و جانها اسکان یافتند.

* میزان (۹/۱۵): اسنادار کرمانشاهان: به کسانی که (آوارگانی که) به روستاها رفته‌اند، علاوه بر سه ماه مایحتاج عمومی و خواروار به هر خانواده برای هر ماه مبلغ سه هزار ریال جهت هزینه‌های معرجه پرداخت شده است.

* اغلاب اسلامی (۹/۱۱): از کارنامه‌ی رئیس جمهور: ساعت ۷/۵ آقای میرلم آمد و از طرف وزارت کشور درباره‌ی آوارگان جنگ گزارش داد و گفت که به اعاق هلال‌احمر مسئول اتحاد مراکزی برای

بقیه از صفحه ۴

اد تشریح کامل وضعیت فعلی کشور به لحاظ اقتصادی، نظامی و ...

بحران
"اعتماد عمومی"

اذا نسیم یک مردم انقلابی و مردمی چه سبوه‌ی را در برخورد با مردم و حل مسائل و مشکلات کشور به کار می‌برد:

اول این که عسقا باور دارد که بوده‌ها مالک حقیقی انقلاب و بهترین و دل‌سوزترین ضامن بقای آن هستند، بنابراین این هیچ سنگل و مسالده‌ی نباید از آنان پنهان ماند. ثانیا: باور دارد که مردم باید همیشه در صحنه‌ی سیاسی کشور حضور فعال داشته باشند (منتها نه آن جنان که سلطه‌گران و انحصارطلبان از حضور مردم بی‌فهمند که عبارتست از سیاهی لشکرهای سیاسی مرکب از موجودات

اغلاب زمان می‌کنند * میزان (۸/۲۱): مسئولین در دستمظنی طی خط‌مجموعی در مورد جوهری‌گویی که در جنگ حسن گنجی و آنها حفسان بود به آن جناب خود تدبیری و تدبیری می‌کرد. این تلاطمات و تحولات می‌تواند ... * میزان (۹/۷): اسنادار اصفهان: به سیراز در سال در این دو شهر که برای آوارگان تدبیر می‌شود و این خاطر است که در این شهرها حالی باشد.

* اغلاب اسلامی (۸/۱۳): فخرالدین جباری: وقت این است که در محاصره است. سیراز در دهه‌های اخیر از مردم آوارگان جنگی پر شده است و در این شهرها در سیراز در سبوه‌ی جنگ می‌کنند و در سیراز می‌لرزند.

* میزان (۸/۱۵): اسنادار خرمشهر: سیراز در این شهرها با مسافران بی‌سواد و بی‌سواد و بی‌سواد می‌کنند و در سیراز در سبوه‌ی جنگ می‌کنند و در سیراز می‌لرزند.

جوانکهای فراری از جنگ بر ما می‌کنند و بجای آنکه به فرمان امام در شهرمان و زادگاه خود مانند در اسلام و صهی دفاع کنند، هر یک از این وطن‌فروشان بر دل راهی یکی از سیرانهای کشور شده و با شاعه تراکمی نقش سون بحم دشمن را بازی می‌کنند.

* کیهان (۷/۲۴): اسناد استان چهارمحال و خمیناری با اسناد اطلاعاتی به مردم شهرهای این استان اخطار کرد که در صورت نخلته‌ی سیرها در دادگاه اغلاب زمان جنگ محاکمه می‌شوند.

* اغلاب اسلامی (۷/۳۵): حامده‌ی خرمشهر در مجلس: بر اثر جنگ عدای از اهالی خورسان مهاجر کرده‌اند و من سندهام که در بعضی از شهرها به این مادران آزار می‌رسانند. من نفاضا دارم که باید این‌ها به نداد مهاجرین و اخبار سعید و به آنل آزار رسانند. مهاجرین نود سهند یکدسته که از اول ما، به اغلاب سوئند و دست‌ی دیگر که رمان و فرزندان خود را به شهرها آورده و خودشان در سبوه می‌کنند.

* کیهان (۸/۱): اطلاعیه‌ی دادستان اغلاب سوزان: مشاهدات غسی و گزارشات واصله حاکی است که زائران و جواهران جوان مسافر از آبادان به سایر نقاط خصوصاً ساکنین جوانگاه دانشگاه عوارس اسلامی احکام سرعی را در روابط با یکدیگر و جناب اسلامی در اعلام را به هیچ‌وجه رعایت نمی‌کنند. سوزان اسنادار و نامورس استقامی در نهایت سنده و ماطعبت به عوارد اعلامی نظارت و محققین را به باسرای اغلاب معرفی نمایند.

* جمهوری اسلامی (۸/۱۵): صح ذبور گروهی از همداران گروه‌های مسخر (ا) که نسبت به حبه‌های جنگ کرده‌بودند در جلوی اداره‌ی آموزش و پرورش فارس دست به جمع رده شعارهایی بر علیه دولت جمهوری اسلامی و تنوع‌ی اسلام می‌دادند که سلافاصله من مردم و این عده درگیری رخ داد و عده‌ای رحمی شدند و سیاه باسداران برای کسرل اوضاع وارد معرکه شد و چون اوضاع بسیار مستح بود، اقدام به شلیک تیرهوائی کرد تا به گزارش روابط عمومی سیاه پاسداران شیراز تعدادی از محرکن اصلی این جریان دستگیر و تحویل دادگاه

پیام اتحادیه انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها و مدارس عالی بمناسبت ۱۶ آذر

۱۶ آذر روز همیشه تابناک دانشجویان مبارزات ضد استبدادی - ضد امپریالیستی خلق

بقیه از صفحه اول



بنام خدا

بنام شهدای بخون خفتی خلق
 هموطن عزیز دانشجویان
 متعهد و انقلابی!
 ۱۶ آذر اسام، سالگرد
 شهادت شهدای قهرمان جنبش
 دانشجویی را در حالی گرامی
 می‌داریم که دانشگاه این سنگر
 خونین دانشجویان و قامت
 استوار و فریادگر خلق، به
 تعطیل کشانده شده و در سیطره
 انحصار طلبی‌ها و واپس‌گرایی‌ها
 قرار دارد. سنگری که به خاطر
 خونفشانیه و جانبازیهای
 فرزندان دلیر خلق، هیچگاه
 ننگ سکوت و تسلیم را به جان
 نخریده و تن به اسارت نداده
 و برای دفاع از آرمانهای انقلابی
 خلق و پیودن راه شورانگیز
 توده‌ها، قربانی‌های فراوانی را
 به پیشگاه خدا و خلق تقدیم
 نموده است.
 در ۱۶ آذر، سیاد می‌آوریم
 آن هنگام که در روزهای سیاه
 پس از کودتای سنگین ۲۸
 مرداد ۳۲ و ۴ ماه پس از آن
 زمانی که نیکسون جنایتکار،
 معاون رئیس‌جمهور وقت آمریکا
 به ایران آمد تا نتیجه‌ی
 توطئه‌های امپریالیستی‌ها را در
 این میهن خونبار ارزیابی کند
 جنبش دانشجویی در نقطه
 عطفی انقلابی به خروش آمد
 و در تظاهرات گسترده و
 خونین، دانشجویان به نشانه
 اعتراض به کودتای ننگین
 آمریکایی و ورود آریاب جنایتکار
 شاه خائن تمامی خشم و نفرت
 خلق محروم و رنج‌دیده را بر
 علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم
 دست‌نشانده‌اش فریاد کردند.
 این تظاهرات با سلاحهای
 آمریکایی مزدوران شاه جلا به
 خون کشیده شد و خونهای پاک
 دانشجویان شهید: بزرگ‌نیا،
 قندچی، شریعت‌رضوی که در
 این روز صحن دانشگاه را گلگون
 ساخت جنبش دانشجویی را در
 فرازی نوین قرار داد و به این

ترتیب ۱۶ آذر بعنوان نقطه‌ی
 عطف و سمبل جنبش دانشجویی
 در طول سالهای متمادی مبدا
 خونین‌ترین و شورانگیزترین
 مبارزات حق طلبانه‌ی دانشجویان
 گردید.
 از آن پس رژیم وابسته و
 دست‌نشانده‌ی امپریالیستی‌ها،
 که متعل‌های درخشان آزادی
 را در دستان فرزندان پرشور
 این میهن خونبار همیشه فروزان
 می‌دید. برای نابودی و خنثی
 کردن این جنبش‌همه‌ی شیوه‌های
 سرکوب را به آزمایش گذاشت،
 اما هیچکدام از این شیوه‌ها
 هرگز نتوانست دانشگاه را به
 گورستان انزوا و سکوت تبدیل
 نماید، حتی تعطیل و انحلال
 متعدد بسیاری از دانشگاهها،
 هرگز قلب طپنده‌ی دانشگاه را
 از حرکت باز نداشت.
 تظاهرات قهرمانانه و خونین
 دانشجویان، در سخت‌ترین
 شرایط پلیسی و اختناق، بحق
 نشان داد که این جنبش تا چه
 اندازه از عمق و محتوای
 انقلابی برخوردار است.
 جنبش دانشجویی در جریان
 قیام عمومی خلق بر علیه
 استبداد و امپریالیسم: در
 پیوندی ناگسستی با توده‌ها
 قرار گرفت و حماسه‌های پرشکوهی
 همچون ۱۳ آبان و... را خلق
 نمود تا آنجا که بدست توانای
 خلق و حضور شورانگیز پدر
 طالقانی، دانشگاهها گشوده
 شد، و به افتخار گسیب نام
 جاودان "سنگر آزادی" از
 حائت پدر و مردم نائل شد.
 پس از سرنگونی رژیم وابسته
 و دیکتاتوری شاه جنبش
 دانشجویی با تعهد به ایفای
 رسالت تاریخی خود در ادامه
 مبارزه‌ی ضد امپریالیستی و ضد
 استثمار، دانشگاهها را کانون
 زنده و جوشان این مبارزه نمود
 اما انحصارطلبان و واپس
 گرایان که حیات خود را در
 نفی همه‌ی ارزشهای انقلابی و
 افتخارات خلق می‌دیدند و
 نتوانست بودند این سنگر فعال
 را به تسخیر خود درآورند و
 هر روز شاهد انزوی بیشتر
 خود در آن بودند در پی
 توطئه‌های آن را به تعطیل
 کشاندند تا به گمان خود جنبش
 دانشجویی را از افشاگری و
 روشنگری و آگاهی‌دهی به توده
 بازدارند.
 آنان برای توجیه اعمال
 ارتجاعی و ضد مردمی خود،
 این سنگر مبارزه‌ی ضد امپریالیستی

را پایگاه امپریالیسم! خواندند
 و دانشجویان را که خود آقایان
 به یمن مبارزات بی‌امان آنان و
 سایر نیروهای انقلابی به مسدود
 و قدرت رسیدند. ستون پنجم
 دشمن! معرفی گردید.
 آنان زیر پوشش عوام‌فریبانه
 "انقلاب فرهنگی"! دانشگاهها
 را به خون کشیدند و یکبار دیگر
 در حالی که هنوز خونهای
 پاک دانشجویان بر در و دیوار
 و سنگفرش دانشگاهها باقی بود
 دانشگاهها را صحنه‌ی تاح و
 تار اسلحه‌هدستان و چاقوآوران
 خود کردند.
 و به این ترتیب درهائی که
 توسط دست‌های توانای مردم گشوده
 شده بود در نظام جمهوری
 اسلامی! بد روی دانشجویان
 سست شد. آثار و عواقب زیانبار
 چنین عملکرد واپس‌گرایانه‌ی،
 همچنان که از آثار قابل پیش
 بینی بود، جز محروم کردن
 انقلاب از سنگر استوار آزادی
 و مبارزه علیه امپریالیسم و
 پراکندگی و سرگردانی هزاران
 دانشجو و استاد و... نبوده
 است. زیانها و خسارات جبران
 ناپذیر مادی و معنوی دیگری
 نیز که از تعطیل دانشگاهها
 بوجود آمده است بر هیچ نیروی
 آگاه و دلسوز انقلاب پوشیده
 نیست. از اینروست که با
 چنین برخوردی که با دانشگاهها
 شد و تمامی عملکردهای
 انحصارطلبانه و ننگ‌نظرانه‌ی
 که در این مدت بر علیه دانشگاه
 و دانشجویان بعمل آورده‌اند کمترین
 مشروعیت و حقانیتی برای
 انقلاب فرهنگی ادعایی اینان
 باقی نگذاشته است.
 هر چند که آنان دانشگاهها
 را بستند اما جنبش دانشجویی
 در متن جنبش انقلابی خلق،
 استوار و تسخیرناپذیر در راه
 دفاع از دستاوردهای خونین
 انقلاب و حراست از آزادیهای
 انقلابی و افشای نقشه‌ها و
 توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی
 گام برمی‌دارد.
 انجمن‌های دانشجویان
 مسلمان دانشگاهها و مدارس
 عالی که در دو سال پرفراز و
 نشیب پس از انقلاب به عنوان
 ادامه دهندگان راستین جنبش
 دانشجویی، رسالت خونبار
 این جنبش را با موضعگیریهای
 اصولی و واقع‌گرایانه‌ی خود به
 دوش کشیده‌اند اکنون در طلیعه
 دومین شانزدهم آذر، پس از
 سرنگونی رژیم شاه با بزرگداشت
 خونهای پاک جنبش دانشجویی

و همدی شهدای گلگون کنی
 خلق و برای ادامه‌ی هر چه بر
 شتاب‌تر مبارزه‌ی ضد امپریالیستی
 تشکیلات دانشجویی خود را که
 در شهریور ماه به "اتحادیه‌ی
 انجمنهای دانشجویان مسلمان
 دانشگاهها و مدارس عالی
 ارتقاء داده بودند، اعلام
 می‌دارند.
 با ایمان به اینکه در شرایط
 حساس کنونی که انقلاب و
 میهن ما در معرض خطرناک‌ترین
 توطئه‌ها و نقشه‌های امپریالیستی
 و تجاوزگرانه و ارتجاعی است و
 آزادیهای انقلابی، به بند
 کشیده می‌شود و در شرایطی که
 از یک طرف فشار و اختناق بر
 اسام مراسم بزرگداشت روز دانشجو
 شهدای ۱۶ آذر، روز دانشجو
 در شرایطی برگزار گردید که
 تمامی دانشگاه‌های کشور، این
 سگرهای آزادی و کانون‌های
 مقاومت و آگاهی‌دهنده‌ی توده‌ها
 توسط انحصارطلبان و واپس‌گرایان
 مدت مدیدی است که به تعطیل
 کشانده شده است.
 این شاید برای اولین بار
 باشد که در تاریخ جنبش
 دانشجویی ایران مراسم
 بزرگداشت شهدای ۱۶ آذر در
 خارج از محیط دانشگاه برگزار
 می‌گردد.
 اسام خانواده‌های
 شهدای ۱۶ آذر که به دلایلی
 نتوانستند مراسم بیست و
 هفتمین سالگرد شهادت شهدای
 خود را در دانشگاه برگزار
 کنند طی اطلاعیه‌ای از مردم
 خواستند که در روز یکشنبه ۱۶
 آذر جهت بزرگداشت خاطره‌ی
 شهدای پیشتاز جنبش دانشجویی
 بر مزارشان در امام‌زاده عسکری
 الله گرد آیند.
 در این روز گروهی از
 مردم همراه با تعداد زیادی از
 شخصیت‌های سیاسی و مبارز بر
 مزار شهدا گرد آمده و طی
 مراسمی خاطره‌ی دلآوری‌های
 این شهدای جنبش دانشجویی
 و ضد امپریالیستی خلق را
 گرامی داشتند.
 مراسم در ساعت ۲ بعد

روی نیروهای انقلابی و ضد
 امپریالیست افزایش فوق‌العاده
 یافته و از سوی دیگر حرکت‌های
 مشکوکی به سمت سازش با غرب
 انجام می‌شود استحکام و انسجام
 درونی کلیه‌ی نیروهای انقلابی
 قادر است تمامی این توطئه‌ها
 را خنثی نموده تا در راه
 آرمانهای انقلابی، گامهای
 موثرتری بردارند.
 با امید پیروزی خلق
 سلام بر دانشگاه سلام بر آزادی
 مرگ بر امپریالیسم آمریکا
 اتحادیه انجمنهای دانشجویان
 مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی
 ۱۶ آذر/۱۳۵۹

مراسم بزرگداشت روز دانشجو بر مزار شهدای ۱۶ آذر

از ظهر با تلاوت آیاتی چند از
 قرآن آغاز گردید و سپس
 احسان شریعتی طی سخنانی
 پیام کانون ابلاغ اندیشه‌های
 شریعتی را قرائت کرد آنگاه
 پرویز خرسند، دکتر ملکی،
 منصور فرهنگ، و دکتر تکمیل
 همایون به ترتیب طی سخنانی
 ضمن تحلیل از شهدای ۱۶ آذر
 مبارزات جنبش دانشجویی،
 جریان به اصطلاح انقلاب،
 فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها را
 شدیداً مورد انتقاد قرار دادند
 در این مراسم هم چنین پدر
 رضائی‌های شهید و نیز نماینده‌ی
 اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان
 مسلمان دانشگاهها و مدارس
 عالی پیام‌هایی به مناسبت
 سالگرد شهادت شهدای ۱۶
 آذر قرائت کردند.
 آخرین سخنران مراسم
 یکی از اعضای خانواده‌ی شهید
 شریعت رضوی بود که به
 نمایندگی از طرف خانواده‌ی
 شهدای ۱۶ آذر ضمن تحلیل از
 شهدای ۱۶ آذر به مراسمی که
 در این روز در دانشگاه به
 مناسبت این روز برگزار گردیده
 اشاره کرده و اظهار داشت که
 این مراسم بدون این که ما
 تماسی گرفته شود و ما از آن
 اطلاعی داشته باشیم برگزار
 گردید.
 مراسم در ساعت ۴ بعد از
 ظهر به پایان رسید.

بقیه از صفحه ۴

نگاهی به گذشته

چنین نیروهای انقلابی را که صداقت و اصالت صد امپریالیستی خود را در صحنه سال‌ها مبارزات انقلابی خونبار به ثبوت رسانده‌اند تحت انواع فشارها و تضيیقات و در معرض دستگیری و تعقیب و پی‌گردد قرار نمی‌دهد و هیچ نیروی صد امپریالیست که ریشه و پایه اجتماعی داشته و از دیامیس و استعداد رشد و پیشرفت برخوردار بوده و خلاصه آینده داشته باشد هیچ‌چیز را به این چنین ضدیت با "آزادی" ندارد. آری این قبیل سیاست‌هاست که میهن ما را به اوضاع و احوال امروزی گشاده است و بدیهی است که اگر قدرت‌مداران و دست اندرکاران امور راه حل مسائل کنونی را نیز به تغییر بنیادی این سیاست‌ها (که امید آن نمی‌رود) بلکه در ادامه همین سیاست‌ها جستجو کنند و منجمد قنار را بر نیروهای انقلابی بیشتر کرده و یا مثلا تصفیه‌های بیشتر درونی و یا با دستاویز قرار دادن و علم کردن مبرها و جریانات ظاهرالصلاح و سیاست "از این ستون به آن ستون" در صدد تحکیم هرچه بیشتر قدرت انحصاری خود برآیند به

درورای هرگونه ادعا و شعار و تبلیغات، چگونگی برخورد یک رژیم با نیروهای انقلابی مهم‌ترین اصالت سنج مشروعیت و ترقی خواهی آن رژیم است

تنها هیچ مشکلی از آنان حل نخواهد شد بلکه بازریادی بر مشکلات کنونی خواهد افزود. البته هر اقدام حساب‌تدهای ممکن است، برای مدتی جهت در آمدن از نگاه‌ها مورد بهره‌برداری قرار گرفته و عاقلانه موثر نیز باشد اما اگر چنانچه اقدامی از بنیاد مردمی و بر اساس انگیزه‌های سالم انقلابی نبوده و از شائبه‌های مکرر و توطئه خالی نباشد عواقب آن سرانجام دامن طراحان آن را خواهد گرفت و به قول قرآن "و لا یحیی المکر السیئ الا باهله". تنها مطلبی که می‌ماند بها و ناوایی است که باید برای این قبیل حرکات و سیاست‌ها و مسائل و مشکلات و نابسامانی‌ها و درگیری‌های حاصل از آن‌ها پرداخته شود که بار آن نیز طبق معمول و متأسفانه بر دوش توده‌های ستمکشیده‌ی مردم سنگینی خواهد نمود، و چه‌بسی پرآهنگ‌های بدین وسیله ز مکتب و آئین پاک و انقلابی اسلام تصویر خواهد شد.

ما بر اساس سال‌ها حضور فعال در صحنه خونبار انقلاب میهن‌مان و هم چنین بر اساس وفاداری به آرمان‌های توحیدی و انقلابی مجاهدین خلق نسبت به سرنوشت این مردم و آینده‌ی این انقلاب لازم دیدیم تا شرایط حساس و خطیر این مرحله را مستقیماً با مردم در میان بگذاریم. به گمان ما این توده‌های مردم بودند که شام رخ و بار این انقلاب را تحمل کردند و این توده‌ی مردم هستند که باید با آگاهی نسبت به سرنوشت و آینده‌ی انقلاب و خطراتی که آن را تهدید می‌کند، از انقلاب‌های بخش خود و دست‌آورده‌های آن پاسداری کنند. بدیهی است که در این میان عناصر و نیروهای آگاه و متعهد، آن‌ها که هر زمان به شکلی در نیامده و در جهت وزش باد قرار نمی‌گیرند، در این شرایط حساس مسئولیت خطیری به عهده دارند. لذا از تمام مردم عزیز ایران، از نیروها و شخصیت‌های آزادی‌خواه و انقلابی و از تمام کسانی که در ویرای مافع فردی و گروهی به پیروزی انقلاب رهائی بخش ضد امپریالیستی خلق‌مان می‌اندیشند می‌خواهیم که در مقابل قدرت‌طلبی‌ها، انحصارطلبی‌ها و برای پیش‌برد انقلاب ضد امپریالیستی‌مان، در پرتو کسب و حفظ آزادی‌های انقلابی لحظه‌ای دست از مقاومت و ایستادگی برنداشته و فریاد اعتراض خود را بر علیه هر نوع سیاست و روشی که در دو سال گذشته انقلاب ما را، به نقطه‌ی کنونی رسانده است بلند کنند.

بدیهی است که ما نیز مصممیم که علی‌رغم تمامی تضيیقات و فشارها برای کسب و حفظ آزادی‌های انقلابی و پیمودن راه رهائی این خلق از چنگال امپریالیسم آمریکا هر بهائی را که لازم باشد بپردازیم.

بقیه از صفحه ۱۰

ارتجاعی‌ترین روزنامه نیز...

سیاسکویی در پیشگاه آریامهر نکردند امروز نیز از گفتن کلمه حق برهیز نخواهند کرد، هر چند که این حق گویی و حق طلبی قربانیان و شهدا و اسرای یاز هم بیشتری را طلب نماید و صدالیند که خلق بالاخره برور و آزاد خواهد شد.

دوشنبه ۱۰ آذر ۱۳۵۹
جمهوری اسلامی

۴ شرط
برای آزادی
حاسوسان
آمریکائی
۶ شرط
برای آزادی
جاسوسان
روسیه

۱- هرگاه که مجلس سنیسم انقلابی خود را بر پایه اصولهای آمریکائی بنا نریزد و مابین مسلمانان و غیر مسلمانان در حرکت اسلامی ادامه دهد تا زمان فروپاشی خود را نخواهد دید!

۲- تا آنکه محمود صلابی مدعی آنست که نسبت به شرایط آزادی در مجلس شورای اسلامی کافی در جهت سازش با امریکاست!

۳- تا آنکه صلابی دروغ و بکتراست (تلفات) را با هر آنچه شده اما دروغ آن را با هر آنچه است که ما اینکه اعتقاد می‌کنیم شرط آزادی را به هر می‌گوید و ما شریک و یار و حامی است. کجای این سازش است... رسانی را به حل و فصل می‌کند که ادعای صد امپریالیستی بودن را ندارد. شما که ما را می‌فرمایید که این امر مع حق و باطل، یک صلح انقلابی می‌خواهد اما بدانید صحت که همسازان آزادی‌خواهی در سال گذشته نمایان را فرستاده بود که برای آزادی گروه‌ها و واسطه شوند ولی دفتر امام آنها را محبت کرده و بیادمان ادعاهاست که راه خود را فراموش کنند!!!

۴- اما هر چه به مذاقه صلابی و حرف راست شما همیشه است یعنی خودتان نخواهید که نمایان کرده‌اید بین دو جاسوسی... جاسوسی آمریکائی... جاسوسی روسی... و جاسوسی ما یک مقایسه بکنید!

۵- جاسوسی آمریکائی از آن است که جاسوسی آمریکائی در سال ۱۳۵۷ در تهران و در فرقه‌ی مسروق بهانه بخورد اما جاسوسی ما در سال ۱۳۵۷ در تهران و در فرقه‌ی مسروق بهانه بخورد که در یک از آنها برای آمریکا خود مشکل برورگ است و کارتر به شکست منتهی می‌گردد... راستی به نمایندگی از مجلس شورای اسلامی پیشنهاد می‌کنیم که هر چه در دفتر باره شرط آزادی آقای محمد رضا صلابی، شرط چهارم گفته و اعلام کنند.

۶- ما برای این مسئله پیشنهاد می‌کنیم که هیئت‌های تحقیقاتی که چهار ماه پیش به تصویب برسد و هر چه زودتر جاسوسهای شوروی هم با پذیرفتن این شرایط آزاد شوند.

۷- سازمان گردان تمام اموال تجارت شده دولت جمهوری اسلامی ایران که بعضی از آنها عبارتند از: ۱- اموال و ترولها و فرقه‌ی مسروق بهانه بخورد ۲- اموال تجارت شده از ارتش ۳- اموال که به نمایان پیشنهاد می‌گردد ۴- اموال که به هیئت‌های تحقیقاتی پیشنهاد می‌گردد ۵- اموال که به هیئت‌های تحقیقاتی پیشنهاد می‌گردد ۶- اموال که به هیئت‌های تحقیقاتی پیشنهاد می‌گردد

۸- هر چه به اینکه دیگر از این سیمه بسوزن‌های ما برای به استعمار نکند و آنها را خوب به کارهای خرابانها نکند.

۹- هر چه به اینکه دیگر نمایان از همه‌ی کارهای خرابانها نکند.

۱۰- تغییر بنیادی در روشها و شایعات خود از اسلام و بازگشت به اسلام

۱۱- هر چه برای راه کردن خط لقای و حرکت در خط نوابسته به شرق و غرب

هشدار مجاهدین خلق ایران

درباره زمین‌سازی توطئه بر علیه مجاهدین و انتشار گزارش خبری مزورانه از قول سخنگوی دانشگاه علم و صنعت

بدنام خدا

بدنام خلق قهرمان ایران

هموطنان آگاه و مبارز! خبرگزاری پارس در تاریخ ۱۰ آذر به نقل از سخنگوی دانشگاه علم و صنعت خبری صنی بر سوء قصد به رئیس این دانشگاه انتشار داده است. این سخنگوی ذیل خبر مزبور که تقریباً در تمامی مطبوعات نیز منعکس گردید، اضافه کرده است که: "دکتر اسرافیلیان در چند روز گذشته طی مصاحبه‌ی مشروحی فاش کرده بود که خوابگاه دختران علم و صنعت به صورت یک پایگاه نظامی و خاندی تیمی برای اعضای "مجاهدین خلق" و دیگر گروه‌های سیاسی درآمده بوده و از این خوابگاه یک کلت، مقدار زیادی فشنگ ۳-تیربار و دیگر وسایل اسلحه‌ی گرم بدست آمده‌است."

اگرچه ما هنوز از صحت و سقم و چگونگی ماجرای مزبور اطلاع درستی نداریم، اما نحوه‌ی انتشار این خبر و عبارتی که ذیل آن آمده است، حاکی از توطئه‌ی کثیف دیگری است که از سوی محافل و جریانات ارتجاعی و انحصارطلب بر علیه مجاهدین طرح‌ریزی شده است، که در این راه از سلطه و نفوذ خود به سازمان خبرگزاری پارس نیز سوء استفاده نموده‌اند.

البته برعکس مقاصد عوام‌فریبانه‌ی که در نحوه‌ی انتشار این خبر بکار رفته و گوشه‌ی که برای انتساب تلویحی سوء قصد مزبور به مجاهدین صورت گرفته است، برای مردم ایران کاملاً واضح است که واکنشهایی از این قبیل هرگز مورد تأیید مجاهدین نبوده و بارها از جانب ما مردود اعلام شده است.

همچنین بدیهی است که ادعاها و اتهامات رئیس دانشگاه علم و صنعت که جنیدی قبل به مجاهدین و دانشجویان هوادار ما نسبت داده است، در شمار سایر اکاذیبی است که محافل انحصارطلب و ایادی آنان پیوسته بر علیه مجاهدین عنوان کرده و می‌کنند و از این لحاظ حتی سازمان تکذیب هم بی‌باید.

هموطنان عزیز!

در رابطه با انتشار توطئه‌آمیز خبر مزبور لازم است به مردم قهرمان ایران یادآور شویم که همچنانکه تجارب یکساله‌ی اخیر نشان داده است، جریان انحصارطلب حاکم هرگاه عرصه را به خود تنگ دیده و در برابر موج آگاهی و اعتراض مردم قرار می‌گیرد، بلافاصله به ترتیبی مجاهدین را مورد حمله قرار داده و می‌کوشد تا به اصطلاح گام و کوزه مسائل را بر سر مجاهدین خراب نماید. بنابراین چه بسا که نحوه‌ی انتشار خبر مزبور در اوضاع و احوال کنونی خود مقدماتی برای جوسازی بر علیه مجاهدین و فراهم کردن زمینه‌ی تشبیه شیوه‌ی معهود به اصطلاح "دراز نمودن مجاهدین" باشد.

البته لازم است به آقایان دست‌اندرکار این توطئه‌ها خاطر نشان کنیم که اکنون مردم به بسیاری از مسائل واقف شده و آگاهی توده‌ها نسبت به نادرستی‌ها و خلفا فکریهای آقایان آنقدر زیاد است که بنظر نمی‌رسد، تشبیه به اینگونه شایعات بتواند موجب نجات آنان گردد. تاریخ و تجارب اسوه اجتماعی نیز ثابت کرده است که شیوه‌های عوام‌فریبی و ریاکاری حتی اگر هم در کوتاه مدت نتواند بر حقایق سرپوش گذارد، در درازمدت لاجرم کارآیی خود را از دست داده و حقیقت برای توده‌های مردم آشکار خواهد گشت.

در پایان از خبرگزاری پارس به عنوان ناشر گزارش خبر مزورانه‌ی فوق‌الذکر و تمامی مطبوعات که به درج آن مبادرت ورزیده‌اند، می‌خواهیم که برابر قوانین مطبوعاتی متن اطلاعیه‌ی حاضر را نیز منتشر نمایند.

مجاهدین خلق ایران
۱۱/ آذر ۵۹

نگاهی به اخبار و رویدادها

زخم زبان مرتجعین، مصیبتی مضاعف برای آوارگان جنگ

جنگ ایران و عراق نیز همانند تمام مسائل مبتلا به ایران - چه داخلی و چه خارجی - در بیست و دو ماه اخیر، صحنه‌ی دیگری از آزمایش شیوه‌های حکومتی مرتجعین بود. تجاوز عراق به ایران، عوارض سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی بسیاری بدنبال داشت. یکی از بارزترین آثار اجتماعی این جنگ، آوار شدن قریب به یک میلیون نفر از هموطنان ستمکشیده‌ی ما در مناطق جنگی است که خانه و کاشانه‌ی خود را از دست داده و روانه‌ی مناطق مرکزی‌تر شده‌اند.

این آوارگان - به شهادت روزنامه‌ها و گزارشات مستند از ابتدائی‌ترین امکانات زندگی هم برخوردار نیستند. حتی در بسیاری از موارد از آب، غذا، سرپناه، پزشک و... خبری نیست و به قول یکی از نمایندگان مجلس "در بیابانها پراکنده‌اند و شبها از سرما می‌لرزند" گزارشی که روزنامه‌ی انقلاب اسلامی ۱۳ آبان از وضع این هموطنان عزیزمان می‌دهد، آنچنان رقت‌آور است که انسان را به گریه می‌اندازد. این گزارش می‌گوید در شادگان حدود ۱۵۰ هزار نفر آواره وجود دارد در حالیکه جمعیت خود شادگان از این میزان به مراتب کمتر است. تعداد کمی از جنگ‌زدگان در مدرسه‌ها و... سکنی داده شده‌اند و سایرین اکثر در میادین و خیابان‌ها بسر می‌برند و حتی توالت برای جنگ‌زده‌ها نیست.

بالطبع در یک برخورد انقلابی حق این بود که به موازات پرداختن به جنگ و... به سروسامان دادن این آوارگان از طریق اتخاذ سیاستهای متمرکز دولتی و همکاریهای اجتماعی از جمله ایجاد اردوگاههای منظم، توزیع متعادل جنگ‌زدگان در سطح کشور متناسب با قدرت پذیرش، آب و هوا و... استفاده از تخصصها و امکانات خود آنها، سازماندهی صحیح کمکهای بیدریغ و گسترده‌ی مردم (که الان معلوم نیست به چه سروشتی دچار می‌گردد) و... پرداخته شود. لیکن متأسفانه نه تنها چنین نشد، بلکه در بالای منابر و تریبونهای نماز جمعه و... آنها را ضدانقلاب و فراریان از جنگ و وطن‌فروشان بزدل و... نامیدند. و در حالی که در آبادان و خرمشهر فقط عده‌ی قلیلی از مردم (آن هم عمدتاً جنگجویان) باقی نمانده‌اند امام جمعه‌ی تهران ادعا می‌کند که اقلیتی اعیان نشین و مرفه شهر را ترک کرده‌اند. و جالب اینجاست که چند هفته بعد ایشان می‌گویند اگر مردم (حتماً همان اقلیت اعیان نشین!!) شهرها را ترک نمی‌کردند (قصر شیرین - خرمشهر و...) دشمن نمی‌توانست آنجا را تصرف کند. و همه‌ی این حرفها در حالیکه حضرات دست‌اندرکار نه تنها تلاشی در جهت مسلح کردن مردم و سازماندهی آنها برای مقاومت مسلحانه ننموده‌اند، بلکه با انواع و اقسام توطئه‌ها از فعالیت نیروهای انقلابی در جهت بسیج مقاومت مردمی مانعت بعمل آوردند. بواقع بجای اینکه آنها در مقابل مردم شرمنده و خجل باشند از اینکه نتوانسته‌اند خانه و کاشانه‌شان را از تهاجم دشمن محفوظ نگاهدارند، چیزی هم از مردم طلبکار شده و می‌خواهند بدین‌گونه سروشتی برناگامیهای نظامی خود بگذارند.

در این میان ذکاوت آقای دادستان انقلاب شیراز هم قابل توجه است که گویا تمام مسائل هموطنان ستمکشیده‌مان را حل کرده‌اند و تنها مسئله‌ی حجابشان باقی مانده که آنها هم با اخطار شدید ایشان حل خواهد شد. این زخم‌زبانها که همچون نمک بر زخم آوارگان پاشیده می‌شد، خود مصیبتی افزون بر اوضاع سخت معیشتی آنها را

آخرین آمار زندانیان مجاهد

شهر	تعداد	شهر	تعداد
آمل	۱۵۰	سبزوار	۲
آبادان	۶۷	سلطاس	۱
آغاچاری	۱	سعدآباد دشتستان	۴
آسنارا	۴	شاهرود	۱
اراک	۲	شوشر	۴
اهر	۱	سستتر	۲
اندیمشک	۲	شیراز	۱
اردبیل	۱۳	صومعه‌سرا	۲
اهواز	۲۷	فسا	۱
اصطهبانات	۱	فیروزآباد	۲
ایرانشهر	۱	فانمشهر	۲۱
بجنورد	۱۵	کرج	۱
بابل و بابلسر	۴۶	کرمان	۲
بندرلنگه	۲	کناوه	۱
بندرعباس	۳	گرگان	۲
بوسهر	۳	کرکر	۳
بهبهان	۳	کناباد	۳
برازجان	۲	لار	۳
بناب	۱۱	لاهیجان	۲
تهران	۱۶۷	لنگرود	۱۱
شیراز	۱۱	ماکو	۱
چهرم	۲	مشهد	۱۱
چالوس و نوشهر	۱۲	مشهد سفیدر	۲
خرمدره	۹	چاوند	۱۲
رشت	۲۸	نیریز	۹
رودبار	۳	هستهر	۲۸
رودسر	۳	جمع کل	۲۰۰
رضوانشهر	۱۲		
سیرجان	۱		
سروستان	۱		
سندان	۱		
ساری	۳		

را هم می‌نمود و طبیعتاً اعتراض‌هایی را بدنبال داشت. تظاهرات آنها در کرمانشاه، شیراز و... عکس‌العمل طبیعی چنین فشارهایی بود که مطابق معمول مورد سرکوب انحصار طلبان (با استفاده از نام مردم!) قرار می‌گرفت. اما مسئله خیلی جدی‌تر و گسترده‌تر از آن بود که با اینگونه تبلیغات ناشیانه حضرات، به اصطلاح "ماست‌مالی" شود. و به همین جهت بود که علیرغم همدی تلاشهای مذبح‌خانه، آنها مجبور شدند که تا حدی واقعیت امر را بپذیرند و در این رابطه لحنی گفتارشان را تغییر دهند. از جمله اینکه بعد از گذشت روزهای شمادی از شروع جنگ و بی‌خانمانی صدها هزار هموطن جنگ‌زده‌ی ما و بعد از آنهمه تهمت و افترا و زخم‌زبان بد این مردم ستم‌دیده تازه به فکر دلجوئی از آنها بی‌آیند.

اما اکنون که بیش از دو ماه از این مسئله می‌گذرد، هنوز هم علیرغم ادعاها و یا اقدامات انجام شده، یک برخورد اصولی با مسئله نشده و این مسئله همچنان یک مشکل مهم اجتماعی است. چنانکه طبق گزارش خبرنگار کیهان در بروجرد در این اواخر آنها "اغلب بر روی دو ستر موکت و گاه حتی بر روی ورقه‌های گارتن نشسته‌اند و گاه حتی چراغ کوچکی نیز برای گرم کردن خود ندارند".

* جمهوری اسلامی (۷/۱۲) اعیان سبب آبادان، امروز آقای خامنه‌ای در نماز جمعه: که روز خطر است سگوارانک بر همه‌ی آل اقلیتی که شهرهای بوار مری را ترک کرده‌اند و به خیال خود به جاهای امن گریخته‌اند، پیام می‌فرسم، ای آقایانی که خانه‌ی خود را ترک کرده‌اید، ای آقایان محلات

معرفی کتاب:

تحت این عنوان و نا چند شماره به معرفی کتاب‌ها و روزهای جدیدی که بد علث هفته در انتشار "مجاهد" موفق به معرفی آنها شدیم اقدام خواهیم کرد.



۱- مجموعه‌هایی درباره‌ی مبارزات مردمی در مقابل استبداد و ستم‌های رژیم پهلوی در کتاب اول این کتاب در چهارم ۹۹ و به دنبال بهاجم خطبه‌ی عزای مسمر شد. این کتاب آوسوس‌هایی است درباره‌ی انواع مختلف مبارزان‌های هوایی و نحوه‌ی مقابله با آنها، انواع بمب‌ها، دفاع‌بودهای و غیره سلیس‌ها و...
۲- مجموعه‌هایی درباره‌ی مقاومت مردمی و شیوه‌های جنگ حجابی
کتاب نوق از آخرین انتشارات سازمان بوده و شامل چهار فصل است. در فصل اول سبوه و طرح بهاجم ارتش‌های کلاسیک بررسی شده‌است. فصل بقیه در صفحه‌ی ۲

از علاقه‌مندان تقاضا می‌شود که کمک‌های مالی خود برای سازمان مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره "۱۳۵۰" یا یک صادرات واقع در پیچ شمیران واریز نمایند.

"مجاهد" نشریه‌ی مجاهدین خلق ایران سال دوم آدرس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۱۶/۱۵۵۱